

## مارکسیست اسلامی

چرا ؟

با ایها الذين آمنوا اذا ضربتم في سبيل الله فتبتوا . . . .  
 ای کسانی که ایمان آورده اید و وقتی در راه خدا قدم برمی دارید چشم بشناسید ، دوست و دشمن را نیک بشناسید راه و جاه را از هم تشخیص دهید . . . . سوره نساء - ۹۴

رژیم شاه باردیگر بدستکاری و هدایت مشاورین آمریکائی اش در هفته های اخیر تبلیغات جدید و همه جانبه و سیمی را علیه جنبش انقلابی ایران آغاز کرده است . این تبلیغات که به مناسبت دستگیریهای اخیر در تهران و مشهد و با کشف گروههای جدیدی از سلطنتان انقلابی آغاز شده است تا کنیک جدید و تازه ای نیست . انتساب دروغ - تهمت زدن با انقلابیون مشی همیشگی رژیم های ضد خلقی است . اما محتوی و مفاد تبلیغات جدید رژیم در سایه برخی از شایعات و حوادث تأسف انگیز درون بخشی از جنبش ، نسبتا جدید و قابل توجه و در خیر دقت میباشد . و هشجاری و سیداری همه مبارزین واقعی و راستین را بخود می طلبد . این توجه و هو شیاری بخصوص از آن جهت ضروری است که این بار نیز مثل همیشه - لبه تیز حملات تبلیغاتی رژیم عمدتا متوجه جنبش اصیل انقلابی اسلامی و مجاهدین خلق میباشد . توجه و تحلیل این تانکیک ها و شناخت اهداف آن برای همه انقلابیون ایران ، همه آنها که خواستار آزادی و رهایی خلق ایران هستند نهایت ضرورت را دارد . نه تنها باید این تانکیک ها را شناخت بلکه باید دانست که چرا دشمن این تانکیک ها را بکار میرد تا بتوان هشیارانه در برابر تحریکات رژیم مقاومت کرد و آنرا فاش و رسوا ساخت .

ما میدانیم که در ایران دو جنبش و دو حرکت سیاسی - اجتماعی در کنار هم و با بپای هم علیه استبداد داخلی و استعمار و امپریالیسم سلطه گر خارجی مبارزه میکنند . هر یک از این دو جریان سیاسی - اجتماعی ، از جهان بینی طرز تفکر سیاسی - خلقی - اقتصادی خاص برخوردار است .

و هر یک دارای کارنامه عملکرد مخصوص خود در طی ۶۰-۷۰ ساله گذشته ساند که در دادگاه طت و در برابر تسلطی است که آمده اند و می آیند برای قضاوت گشوده میباشد . از این دو حرکت یکی به جهان بینی انقلابی اسلامی مبتنی بر صلح و حرکت دیگری به مارکسیسم - لنینیسم معتقد است . وجوه افتراقی میان این دو جهان بینی و طرز تفکر روشن و مشخص میباشد . اما صرف نظر از این اختلافات ، این هر دو حرکت دارای هدفهای مشترکی در برانداختن رژیم استبدادی شاه و پایان دادن به سلطه استعمار خارجی و امپریالیسم جهانی در کشور ما میباشد . هر یک از این دو حرکت ، بنابراین دارای خصوصی و تبعیت تحت تأثیر عوامل تمدنی ، از یک سو - نوع تحریک انقلابی ، یک نوع رابطه با توده مردم بر خوردار هستند . حرکت انقلابی اسلامی از سنتهای ریشه دار انقلابی در فرهنگ تشیع سرخ علوی که جایگاه توده ای عمیقی در فرهنگ بومی خلق ما دارد برخوردار است . بطریقی در پروسه انقلابات توده ای در ایران هر کجا جنبش های انقلابی ، رنگ و پوشش اسلامی اصیل بخود گرفته و رهبری فکری و ایدئولوژیکی حرکت بدست طرز تفکر انقلابی اسلامی افتاده است ، پیروزیهای بزرگی نصیب خلق شده است .

رژیم پهلوسی شاه این سائل را میداند . و خیلی هم خوب به وجوه افتراقی میان اسلام و مارکسیسم آشناست . و درست بر اساس همین شناخت از این دو جنبش است که رژیم بسا مهارت مشی تبلیغاتی خود را در برابر هر یک از این دو تعیین و تنظیم کرده است . رژیم اگر چه در مقابله بسا انقلابیون ، هر دو را با یک سلسل و گولبه میکشد ، هر دو را در یک زندان و با یک و سلله مشابه و مشترک شکنجه میدهد برای او و اهادی کتیفتی سلمان و مارکسیست ، دانشجو - کاسب ، عالم اسلامی - کارگر ، پیشه ور و دهقان . . . همه یکسان هستند ، و همه را با قساوت و بی رحمی و خشونت بیه در صفحه ۲

## به حرکت محرومین

کک کنیبد

هموطنان عزیز . . . . برای حق . . . مرزهای وطنی معنی ندارند . همه جا سر زمین خداست . و همه انسانها ، مخلوق خدا . . . و همه با هم برابر و برادرند . تنها مرزی که برای مردم حق ، و مرد تو حیدی قابل شناخت است ، مرز میان حق و باطل ، میان عدالت و ظلم میان ظالم و مظلوم ، میان دوست و دشمن خلق ، مرز میان استعمار شده و استعمارگر ، میان استعمار طلب و استعمار شده ، میان ستم گر و ستم دیده است . جهان بینی تو حیدی و سلاجی است که با آنچنان شناختی میدهد تا بتوانیم این مرزها را بشناسیم و سپس با احساس مسئولیت بعنوان انسانهای آگاه و هو شیار ، انسانهای توحیدی به صف خلقهای استعمار شده . . . به صف مبارزین راه حق و حقیقت ، راه پیروزی خلقها به پیوندیم . . .

حرکت محرومین لبنان - نماینده اصیل ترین جنبش ضد استعماری و ضد استبدادی منطقه میباشد .

در حالیکه سایر نیروهای منطقه - هر یک از حمایت های مادی و مالی و حمایت های سیاسی این با آن ابر قدرت و یادولت های عربی بر خور دار هستند . . . حرکت محرومین لبنان تنها به توده های محروم لبنانی متکی است و چشم امیدش نه به ابر قدرتها ، و نه به سایر دولت های عربی است . بلکه امیدش تنها به حق و نیروی خود و پشتیبانی همه مردم حق طلب میباشد .

شما در هر کجا که هستید میتوانی با این حرکت اصیل انقلابی کمک کنیبد .

در شماره های گذشته ما کوشش کرده ایم تا طی گزارشاتی شما

ترس آریامهر از چیزی خطرناک تر و کشنده تر از بعب و فتنگ است . ترس او از موج نوین تفکر انقلابی اسلامی است که مجاهدین خلق پیرو و جلیه آنند . ما آئین نوینی بهمراه نیابوده ایم ، اسلام همیشه مترقی و انقلابی و ضد ستم بوده و خواهد بود . ما برای شکستن سد راه خدا قیام کرده ایم و شما محکوم به شکستید (الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله اضل اعمالهم ، کسانی که کفر ورزیدند و حقایق را نپذیرفتند و راه خدا را سد کردند ، تمام کارهایشان بی نتیجه است . سوره محمد ، آیه ۱) و خداوند ما را به پیروزی راه حق که برگزیده ایم اطمینان داده است .

" از بیانیه سازمان مجاهدین خلق ایران در پاسخ با اتهامات اخیر رژیم "

سال چهارم

مهر ماه ۱۳۵۴

اسرائیل و طرحهای

## نابودی اماکن مقدسه

از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ و اشغال اماکن مقدسه مسلمانان و مسیحیان بوسیله یهودیان ، اسرائیل بارها و در طی طرحهای خائنه خود ، نسبت به تخریب ، نابودی ، و تخریب شکل این اماکن مقدسه اقدامات پیوسته ای کرده است . بطوریکه همواره صدای اعتراض مسلمانان و مسیحیان را در نقاط مختلف جهان بلند کرده و تکراری ایشان را نسبت بنابودی این آثار تاریخی و مذهبی برانگیخته است .

هیات نمایندگی عربی فلسطین اخیرا در پاسخ به درخواستی از سوی " یو پی ان هرزاگ " نماینده اسرائیل در سازمان ملل متحد در باره نگهداری از اماکن مقدسه ، نامه ای به دبیر کل سازمان ملل متحد نوشته است که حاوی نکات و اطلاعات جالبی در زمینه اقدامات و طرحهای اسرائیل برای هتک حرمت ، نابودی و تخریب شکل اماکن مقدسه در سر زمین های اشغالی میباشد . مسأله متن این نامه را عینا ترجمه کرده در اینجا میآوریم . این نامه هدفهای امپریالیستی را بخوبی روشن کرده و تسلیم طلبانه بودن قرار داد اخیر صر را با اسرائیل بیش از پیش آشکار میازد .

آگوست - ۲۱ - ۷۵  
 جناب آقای دکتر " کرت والد هام " دبیر کل سازمان ملل متحد

چقدر در خور شخصیت " یو پی ان هرزاگ " فرماندار نظامی سابق ساحل غربی رود اردن که مورد کتفر خواست حناهای جنگ مردم کشی و حناهای ضد بشری میباشد که مأموریت باصطلاح - دیپلماتیک خود را در سازمان ملل با فرستادن نامه ای برای جناب عالی ( مورخ ۲۰ اوت ۱۹۷۵ ) شروع کند ( در روز دوپتدم استوار نامه خود ) . این نامه طو از دروغهای شرم آور و وارونه جلوه گر ساختن حقیقت هاست . هیئت نمایندگی فلسطین وظیفه خود می بیند که حقایق واقعی و مستند افعال مقامات صهیونیستی را در فلسطین اشغال شده در مورد اماکن مقدسه تهاجم اهاب معرفی کند :

- ۱- در جنگ اکتبر ۱۹۴۸ فلسطین یهودیان ، اماکن مقدسه مسلمان و مسیحی را مورد ویرانی ، هتک تقدس و بیحرمتی در سرتاسر ناحیه اشغال شده فلسطین قرار دادند . اسناد سازمان ملل حاوی جزئیات این حقایق و اعتراضات رهبران روحانی مسلمان و مسیحی میباشد .
- ۲- از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ مقامات صهیونیست در فلسطین اشغال شده هدف از ریشه کنی صهیونیت و اسلام را از سر زمین مقدس تعقیب کردند . بیش از ۲۰ کلیسا و ۳۰۰ مسجد ، کاملا بوسیله آنها منهدم یا بوضع بسیار مو هنی مورد استفاده قرار گرفت .
- ۳- در حین جنگ ۱۹۶۷ نیروهای صهیونیست شهر مقدس اورشلیم را بجاران کردند . دروازه مرکزی مسجد الاقصی تلاشی گردید . گنبد و مناره های آن مورد اصابت مستقیم قرار گرفتند . گنبد صخره نیز مورد اصابت درحلهای متعدد قرار گرفت و شد بد صداه پذیرفت . پس از اشغال بیت المقدس او باش یهودی ، تظاهرات ، فتیوالهای رقص و مجالس شرم آوری در محل مقدس " حرم الشریف " برپا کردند . دروازه های گنبد صخره و مسجد الاقصی را برای جهانگردان یهودی زن و مرد با سگهایشان باز کردند . مرد و زن با شلوهارای کوتاه وارد این اکنه مقدس شده و مرتکب اعمال شرم آور و اهانت آمیز شدند .
- نیروهای اسرائیلی ۱۳۵ ساختمان و یک مسجد را که همه متعلق به اوقاف اسلامی در بیت المقدس بود با دینامیت منفجر کردند تا محلی برای میدانی در جلو " الموراق " که دیوار عربی مسجد الاقصی میباشد بوجود آورند .
- یهودیان به حقوق مذهبی مردم مسلمان در این مکان مقدس ( الموراق ) که یهودیان آنرا " دیوار ندبه " میخوانند تجاوز کردند . مهم است بخاطر آورده شود که افتتاحات

## میثاق

حرکه المحرومین

ترجمه خلاصه ای از قسمتهای مهم میثاق حرکه المحرومین لبنان برای اطلاع خوانندگان در زیر درج میگردد :

- ۱- ایمان بخدا و احترام بکرامت انسان بمنزله خلیفه اله در زمین
- ۲- تکیه بر میراثهای فرهنگی و تاریخی و سنتی - با استفاده از تجارب دیگران
- ۳- تحقق عدالت اقتصادی برای همه محرومین - مبارزه با استعمار ، احتکار ، نظام صحرایی کمپرادور
- ۴- نظام دموکراسی - مساوات و برابری همه طوایف در مقابل قانون - مبارزه با دیکتاتوری و نظامیگری - مبارزه با نفوذ البیس
- ۵- استقلال و تمامیت ارضی لبنان - مبارزه با استعمار و نفوذ دولت های خارجی - دفاع از جنوب لبنان در مقابل مطامع اسرائیل

را با مشخصات این حرکت و اهداف آن و عمل کردن آشنا سازیم در این شماره خلاصه ای از میثاق آنها را با اطلاع شما میرسانیم .

این شما . . . . و احساس مسئولیت و تعهدات . . . . و احتیاجات یک حرکت اصیل اسلامی

بهم مجاهد : کمک های مالی خود را با تعیین صرف آن ( برای حرکه المحرومین ) بآدرس صندوق پستی ما ارسال دارید .

### فهرست مطالب

۲.....	بازهم مارکسیست اسلامی چرا؟
۱۷.....	به حرکت محرومین کمک کنید
۱۷.....	میثاق حرکت المحرومین
۱۸.....	اسرائیل و طرح‌های نابودی اماکن مقدسه
۲۶.....	همکاری شاه با اسرائیل
۲۶.....	تراکم اسلحه در خاورمیانه
۲۸.....	رمضان امسال چگونه سپری گشت
۲۸.....	بی تفسیر
۲۹.....	اخبار
۳۷.....	اسرائیل و کاهش بی سابقه مهاجرین
۳۸.....	نماز جماعت در دانشگاه
۳۹.....	اطلاعیه حرکت المحرومین لبنان

## بازهم مارکسیست اسلامی

### چرا؟

یا ایهاالذین آمنوا اذا ضربتم فی سبیل الله فتبینوا....

ای کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی در راه خدا قدم برمی‌دارید چشم بگشائید، دوست و دشمن را نیک بشناسید. راه و چاه را از هم تشخیص دهید.....

سوره نساء - ۹۴

رژیم شاه بار دیگر به دستگیری و هدایت مشاورین امریکائی‌اش در هفته‌های اخیر تبلیغات جدید و همه‌جانبه وسیعی را علیه جنبش انقلابی ایران آغاز کرده است. این تبلیغات که به مناسبت دستگیری‌های اخیر در تهران و مشهد و با کشف گروه‌های جدیدی از مسلمانان انقلابی آغاز شده است تاکتیک جدید و تازه‌ای نیست. انتساب دروغ - تهمت زدن به انقلابیون مشی همیشگی رژیم‌های ضد خلقی است. اما محتوی و مفاد تبلیغات جدید رژیم در سایه برخی از شایعات و حوادث تأسفانگیز درون‌بخشی از جنبش، نسبتاً جدید و قابل توجه و درخور دقت می‌باشد. و هشیاری و بیداری همه مبارزین واقعی و راستین را به خود می‌طلبد. این توجه و هوشیاری بخصوص از آن جهت ضروری است که این بار نیز مثل همیشه - لبه تیز حملات تبلیغاتی رژیم عمدتاً متوجه جنبش اصیل انقلابی اسلامی و مجاهدین خلق می‌باشد. توجه و تحلیل این تاکتیک‌ها و شناخت اهداف آن برای همه انقلابیون ایران، همه آنها که خواستار آزادی و رهائی خلق ایران هستند نهایت ضرورت را دارد. نه تنها باید این تاکتیک‌ها را شناخت بلکه باید دانست که چرا دشمن این تاکتیک‌ها را به کار می‌برد تا بتوان هشیارانه در برابر تحریکات رژیم مقاومت کرد و آن را فاش و رسوا ساخت.

ما می‌دانیم که در ایران دو جنبش و دو حرکت سیاسی - اجتماعی در کنار هم و پابپای هم علیه استبداد داخلی و استعمار و امپریالیسم سلطه‌گر خارجی مبارزه می‌کنند. هر یک از این دو جریان سیاسی - اجتماعی، از جهان‌بینی طرز تفکر سیاسی - خلقی - اقتصادی خاص برخوردار است.

و هر یک دارای کارنامه عملکرد مخصوص خود در طی ۶۰-۷۰ ساله گذشته می‌باشد که در دادگاه ملت و در برابر نسل‌هایی که آمده‌اند و می‌آیند برای قضاوت گشوده می‌باشد. از این دو حرکت یکی به جهان‌بینی انقلابی اسلامی مجهز و مسلح است و دیگری به

مارکسیسم - لنینیسم معتقد است. وجوه افتراقی میان این دو جهان بینی و طرز تفکر روشن و مشخص می باشد. اما صرف نظر از این اختلافات، این هر دو حرکت دارای هدف های مشترکی در برانداختن رژیم استبدادی شاه و پایان دادن به سلطه استعمار خارجی و امپریالیسم جهانی در کشور ما می باشند. هر یک از این دو حرکت، بنا بر دلایل خاصی و تبعیت و تحت تأثیر عوامل متعددی، از یک نوع تحرک انقلابی، یک نوع رابطه با توده مردم برخوردار هستند. حرکت انقلابی اسلامی از سنت های ریشه دار انقلابی در فرهنگ تشیع سرخ علوی که جایگاه توده های عمیقی در فرهنگ بومی خلق ما دارد برخوردار است. به طوری که در پروسه انقلابات توده ای در ایران هر کجا جنبش های انقلابی، رنگ و پوشش اسلامی اصیل به خود گرفته و رهبری فکری و ایدئولوژیک حرکت به دست طرز تفکر انقلابی اسلامی افتاده است، پیروزی های بزرگی نصیب خلق شده است.

رژیم پلیسی شاه این مسائل را می داند. و خیلی هم خوب به وجوه افتراقی میان اسلام و مارکسیسم آشناست. و درست براساس همین شناخت از این دو جنبش است که رژیم با مهارت مشی تبلیغاتی خود را در برابر هر یک از این دو تعیین و تنظیم کرده است. رژیم اگر چه در مقابله با انقلابیون، هر دو را با یک مسلسل و گلوله می کشد، هر دو را در یک زندان و با یک وسیله مشابه و مشترک شکنجه می دهد و برای او و ایادی کثیفش مسلمان و مارکسیست، دانشجو، کاسب، عالم اسلامی، کارگر، پیشه ور و دهقان .... همه یکسان هستند، و همه را با قساوت و بی رحمی و خشونت یکسانی شکنجه می دهد و می کشد - تیرباران می کند. اما در صحنه تبلیغات، رژیم با مهارت بیشتری عمل می کند. از یک طرف تبلیغات رژیم علیه همه انقلابیون راستین وجوه مشترکی را دارد. همه انقلابیون از نظر او «خرابکار» - «آشوب طلب» - «جنایتکار» هستند، از طرف دیگر خط مشی رژیم ضدانقلابی در برابر مسلمان مبارز مجاهد، با مارکسیست ها یکسان نیست، به این عبارت که رژیم در تبلیغات ضدانقلابی خود، برای اغوای توده های مردم، به راحتی و سادگی و صراحت، مارکسیست های انقلابی راستین را به «کمونیست بودن - لامذهب بودن - توده ای بی وطن و خائن بودن» متهم می کند. اما مسلمان مجاهد مبارز را نمی تواند که به «مسلمان بودن - نماز خواندن - قرآن خواندن - روزه گرفتن» و یا «لامذهب بودن یا بی وطنی و خیانت» متهم سازد.

رژیم ضدانقلابی حتی حاضر نشده است و نیست که وجود مسلمان مجاهد صادق و اصیل را اعتراف نماید. و تابحال در هیچ یک از مطبوعات دولتی اسمی از مجاهدین نیامده است. در واقع رژیم ضدانقلابی در برابر نسل جدیدی از مسلمانان مجاهد در بن بست هائی قرار گرفته است. که از آن جمله است بن بست تبلیغاتی. و لذا برای خروج از این بن بست

تبلیغاتی است که مغزهای متفکر رژیم اصطلاح «مارکسیست اسلامی» را ابداع کرده‌اند. با بکار بردن این اصطلاح رژیم می‌خواهد مسلمانان مجاهد را به التقاط دو جهان‌بینی اسلام و مارکسیسم متهم سازد. و سپس با تبلیغات خود و بهره‌برداری از وجوه التقاطی این دو جهان‌بینی، مجاهدین مسلمان را متهم کند که نه مسلمان هستند و نه مارکسیست. و به این ترتیب می‌کوشد تا مجاهدین را از پشتیبانی توده‌های مبارز مسلمان جدا و ایزوله سازد.

انتخاب عنوان «مارکسیست اسلامی» از طرف رژیم برای کلیه کسانی که براساس ایدئولوژی انقلابی اسلامی دست به جهاد مسلحانه زده‌اند، انعکاس پیدایش آن شرایط جدید و تحولات عظیمی است که در درون جنبش اصیل اسلامی در روند تکاملی‌اش رخ داده است. درک و شناخت این تحول درونی در کل نهضت ضداستبدادی و ضداستعماری ملت ما برای پی‌بردن به ماهیت و جهت مشی ضدانقلابی رژیم نهایت ضرورت را دارد.

گفتیم که جنبش اصیل اسلامی، پیوندی عمیق با فرهنگ ملی و بومی ملت ما دارد. و از یک تاریخ عظیم سنن و تجارب انقلابی برخوردار است. بررسی همین تجارب نشان می‌دهد که هر زمان حرکت‌های ضداستبدادی و ضداستعمار خارجی زحمتکشان و محرومین با سلاح عقیده اسلامی مجهز شده است و ایدئولوژی اسلامی با ماهیت و محتوای انقلابی‌اش جو غالب را در جنبش بدست آورده است، این حرکت‌ها بسرعت رشد نموده و گسترش یافته‌اند، و توانسته‌اند قشرهای وسیعی از زحمتکشان ملت ما را بخود جذب نموده، بسیج و متشکل سازند.

در تاریخ معاصر مبارزات ملی و ضداستبدادی نیز، ما ناظر همین واقعیت هستیم. به این عبارت که از شهریور ۱۳۲۰ تا زمان کودتای خائنانه ۲۸ مرداد فعالیت عمده جنبش اسلامی در بعد مبارزات ایدئولوژیک و در جهت تربیت و تعلیم و بوجود آوردن کادرهای مسلمان و متعهد و مسئول محدود بوده است. بعد از کودتای ۲۸ مرداد و تشکیل نهضت مقاومت ملی، که رهبری و کادرهای فعال و اصلی آن را مسلمانان آگاه و متعهد و مسئول تشکیل می‌دادند، جنبش اسلامی به مرحله نوینی تکامل یافت. در دوران فعالیت‌های نهضت مقاومت ملی (۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹) براساس شیوه مبارزات مخفی و به منظور مقاومت در برابر رژیم و حفظ اصالت ارزش‌های نهضت ملی ایران بوده است.

فعالیت‌های سیاسی نهضت مقاومت ملی - اگر چه بعلت شیوه مبارزات مخفی، و در تحت تاثیر شرایط خاص دوران خود، محدود بود، اما بهرحال جنبش ملی ما در کل و جنبش اسلامی بطور خاص در طی این دوران توانست مراحل تکاملی جدیدی را بگذارند. و با تجارب بیشتر و ورزیدگی و انرژی بیشتری خود را برای مبارزات دوران بعد از ۱۳۳۹ و میدان مبارزات سیاسی علنی آماده می‌سازد. به طوری که با تاسیس جبهه ملی در سی‌ام

تیرماه ۱۳۳۹ و سپس به دنبال آن، تاسیس نهضت آزادی ایران در اردیبهشت ۱۳۴۰ برپایه شیوه مبارزات علنی، جنبش آزادی‌بخش خلق ما به سرعت رشد و گسترش پیدا کرد. نهضت آزادی ایران در این دوره از مبارزات خود، بعنوان یکی از فعال‌ترین، صادق‌ترین، و سرسخت‌ترین بخش جنبش ضداستعماری و ضداستبدادی ما و با برخورداری از سلاح ایدئولوژی انقلابی اسلامی توانست مبارزین و توده‌های وسیعی از زحمتکشان ما را به میدان مبارزات بکشد. و با هشیاری و مقاومت خود برنامه‌های ضدملی رژیم را یکی بعد از دیگری خنثی سازد. رژیم کودتا و ایادی امپریالیسم که در سال‌های ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹، دادن برخی از آزادی‌های دمکراتیک و اجرای برخی از برنامه‌های ظاهراً اصلاح‌طلبانه را بنا به دلایلی جزو برنامه خود قرار داده بود.

با مشاهده این مقاومت‌ها و مبارزات مجبور شد تغییر مسیر بدهد و ضمن تعطیل آن برنامه‌ها به سرکوبی نیروهای ملی و دستگیری سران و فعالین نهضت آزادی ایران دست بزند. استاد مهندس بازرگان، از موسسین و رهبران نهضت آزادی ایران، که بعد از زندانی - محاکمه نظامی و به ده سال زندان محکوم گردید، تاثیر عملکرد جنبش مردم را در آن دوره جمع‌بندی می‌نماید:

«ما چه در مقابل زورگویان داخلی و هیئت‌های حاکمه فاسد که بر سرمان می‌کوبند و چه در مقابل قوای متشکل نیرومند مرتبط خارجی ناچاریم (اگر می‌خواهیم زندگی کنیم و زنده بمانیم) متحد و متشکل و اجتماعی شویم و مسلماً نتیجه خواهد داشت در برابر سختی‌ها و دشمنی‌ها چاره‌ای جز پایداری و ارتباط اجتماعی و دفع مفسد نیست... دیدید همین ارتباط و اجتماع چند ماهه اخیر ... منشاء چه آثار عظیمی شد در حالی که ملت در برابر نیروهای مالی و نظامی و اداری و سیاسی و تبلیغات دولت ظاهراً وضع نزدیک به صفر و نیستی را داشت! دیدید چگونه دانشگاهی که دانشجویان جرأت نداشتند راجع به جابجا کردن ظرف آبخوری تقاضای دسته‌جمعی بکنند و مردم بازار که سقف را بر سرشان خراب میکردند و شهرستانی‌ها که به ظاهر مثل موش در مقابل گربه جرأت خروج از لانه را نداشتند مملکتی را تکان دادند. البته زمام اختیار از دست دستگاه فاسد گرفته نشد. اختیار و باصلاح‌رل به دست مردم و ملت نیفتاد. راننده همان‌ها هستند. ولی عیناً مانند یک پیاده افتاده‌ای که سوار را وادار به تغییر سرعت و جهت و گاهی هدف می‌نماید ما نیز آنها را واداشتیم رل ماشین را که هنوز در دست دارند تا حدی به میل ما بگردانند و تا اندازه‌ای با رعایت نظریات ما حرکت کنند.»

(مهندس بازرگان در اینجا به انحلال و ابطال انتخابات دوره بیستم که بدست و به درخواست مردم انجام گرفت اشاره می‌کند) اما رژیم که نمی‌توانست این گستاخی و

جسارت خلق را از یک حدی بیشتر تحمل کند مجبور شد تغییر برنامه بدهد - برنامه «آزادی‌های دموکراتیک حساب‌شده» تعطیل شد و دیکتاتور شاه باردیگر سبعانه‌تر مسلط گردید.

در طی جریان مبارزات سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ علاوه بر پیروزی‌هایی که بدست آمد و گسترش نسبی مبارزات خلق تغییرات کیفی پرخیز و برکتی نیز در درون جنبش صورت گرفت که وقوع و حدوث آنها هم موجب گسترش بیشتر و استحکام مبارزه گردید و هم موجبات ترس و نگرانی بیشتر رژیم را فراهم ساخت و این ترس بود که موجب تغییر برنامه رژیم گردید. یکی از مهمترین وجوه این تغییرات، رابطه نهضت ملی ایران با نهضت روحانیت مترقی و مبارزه می‌باشد. تا قبل از آن، این دو حرکت عظیم اجتماعی سیاسی اگر چه در کنار هم و به موازات هم مبارزه می‌کردند اما متأسفانه رابطه ارگانیک و پیوسته‌ای با هم نداشتند. نه با هم رابطه‌ای داشتند و نه تأییدی از موضع یکدیگر می‌نمودند. و نه حتی هماهنگی در خطوط مبارزاتی آنها دیده می‌شد.

نهضت آزادی ایران، بدنبال کوشش‌های خود در سال‌های قبل از ۱۳۴۰ - در نهضت مقاومت ملی، کوشش‌های فراوان و آگاهانه‌ای چه از جهت روشن ساختن مراجع اسلامی و چه بعدها از جهت هماهنگ ساختن فعالیت‌های ضداستبدادی و ضداستعماری مبذول داشت. به طوری که بعد از سال ۱۳۴۰ و در اوج مبارزات ملی، نهضت آزادی ایران و نهضت روحانیت مترقی و اصیل توانسته بودند، عملاً یک جبهه متحد و واحدی را علیه رژیم بوجود آورند. و به این ترتیب نهضت آزادی پلی شد میان دو بخش عمده‌ای از حرکت ضداستبدادی، ضداستعماری خلق ما و برای اولین بار، علمای بزرگ اسلامی، و در رأس آن امام خمینی، حرکت فعال‌ترین بخش نهضت ملی ایران را تأیید کردند - و همچنین فعال‌ترین بخش حرکت، به خصوص روشنفکران و تحصیل‌کرده‌ها به پشتیبانی از حرکت روحانیت اصیل برخاستند.

بدین‌گونه یک شکاف عظیمی که استعمار خارجی و فرهنگ وابسته به آن در جنبش عام ملت ما بوجود آورده بود از بین رفت... و می‌بینیم که از آن پس هرگونه کوشش و تلاشی که دشمن در راه ایجاد اختلاف و شکاف بین این گروه به کار برده است بی‌نتیجه مانده است. و امروز خمینی و نهضت روحانیت از جنبش ضداستعماری تفکیک‌ناپذیر شده است. این یک پیروزی برای جنبش و یک شکست و فلاکت برای دشمن محسوب می‌گردید.

اما در سطح دیگری، نیز اختلافات و شکافی میان نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق و حرکت مارکسیستی ایران به رهبری حزب توده - بوجود آمده بود. این اختلاف و شکاف که بعد از شهریور ۱۳۲۰، بدنبال رویدادهای سیاسی مشخص و خیانت‌های آشکار و

اشتباهات عظیم رهبری حزب توده در آن زمان رخ داده بود موجب شد که ملت ما و بسیاری از مبارزین راستین، حزب توده را به اجنبی‌پرستی و خیانت به وطن متهم سازند. و مبادله‌ای بوجود آمد که: حرکت مارکسیستی - حزب توده - خیانت و بی‌وطنی. و البته همه می‌دانیم که دولت‌های ضدملی و رژیم شاه چگونه توانستند حداکثر استفاده را از چنین سوابق تاریخی به نفع خود ببرند.

و چرا رژیم در مشی تبلیغاتی خود، همه‌جا همه مخالفین خود را، به «کمونیستی» - «لامذهبی» - «توده‌ای بی‌وطن بودن» متهم می‌ساخته است و می‌کوبیده است. این مشی رژیم تا قبل از سال‌های ۱۳۴۰ به بعد درباره تمام مخالفین اجرا می‌شده است. به طوری که حتی بعد از کودتای ۲۸ مرداد یک بار که سازمان امنیت علامه مجاهد آیت‌الله طالقانی (از رهبران نهضت مقاومت ملی در آن زمان و موسسین و رهبران نهضت آزادی ایران) را به جرم افشاگری در مسجد هدایت دستگیر نمود، ضمن بازجوئی از ایشان گفته بود که: «چرا شما همیشه آیات کمونیستی قرآن را تفسیر می‌نمائید».

بنابراین جنبش مارکسیستی ایران، تحت تاثیر و خیانت‌های گذشته حزب توده از یک طرف و تحت تاثیر جریانات بین‌المللی و رویدادهای سیاسی میان چین و روسیه شوروی دچار یک نوع انزوا - تشنیت - سردرگمی درونی عظیمی شده بود.

در این میان ناگهان در سال ۱۳۴۰ یک پدیده سیاسی پرخاشگرانه با قاطعیت قدم به میدان می‌گذارد. که به دلیل برخورداری از یک ایدئولوژی انقلابی (اسلامی) و با فعالیت‌های صادقانه خود - ولو محدود می‌تواند اصیل‌ترین نیروها را به سوی خود جلب نماید.

نهضت آزادی ایران که از اعتماد و اطمینان و پشتیبانی علمای اسلامی و نهضت روحانیت برخوردار بود، در اینجا با قاطعیت خود در مبارزات سیاسی و طرد سیاست و مشی «صبر و انتظار» که از طرف جناح‌های سازگار جبهه ملی پیشنهاد می‌شد و به‌خصوص با انتخاب موضع سیاسی روشن و قاطع در برابر رژیم شاه توانست، پشتیبانی حتی جناح‌های سیاسی غیراسلامی را نیز به خود نماید. برای اولین بار هموطنان ما از سایر مذاهب و عقاید نیز حرکت نهضت را تایید کردند.

به این ترتیب، نهضت آزادی ایران در واقع راه‌گشای مسیر جدیدی می‌گردد که در آن حرکت ضداستعماری و ضداستبدادی و ضدامپریالیستی مردم ما با مجهزشدن به سلاح ایدئولوژی اسلامی شتاب عظیمی را به خود می‌گیرد که دربرگیرنده همه اقشار و گروه‌ها و همه مبارزین صادق و اصیل می‌گردد.

ایجاد چنین وحدتی در میان همه نیروهای مبارز و مقاوم در پروسه عمل و پراتیک یکی از هدف‌های نهضت آزادی از همان ابتدای کار بوده است: مهندس بازرگان این هدف را



بدین ترتیب توضیح می‌دهد:

«آنچه باید خواست و به دنبال آن رفت این است که در مرحله اول حداکثر کسانی که همفکری نزدیک دارند متشکل و مجتمع گردند. (این خود خدمت بزرگی است) و سپس دسته‌های مختلف از طریق ایجاد ارتباط و اشتراک مساعی که با توجه به حسن‌نیت و قصد خدمت وجود دارد برای رسیدن به مقاصد مشترک اساسی همگام شوند و بطور کلی همه در جهتی قدم بردارند که روزبروز امکان همکاری و همراهی و همفکری مابین افراد و اجتماعات ملت بیشتر شود و روزی برسد که همه ایرانی‌ها اجتماعی و حزبی گردند و تعداد کل احزاب از تعداد انگشت‌های دست کمتر شود».

اما نهضت آزادی ایران، به عنوان تبلور سازمانی حرکت ضداستبدادی و ضداستعماری خلق ما قبل از آنکه بتواند شبکه‌های تشکیلاتی خود را وسعت دهد و یا حتی تنظیم نماید مورد شدیدترین حملات دشمن و نیروهای پلیس شاه قرار گرفت. با زندانی شدن سران و فعالین مومن و صادق آن عملا و اجبارا تعطیل گردید.

اما مشی نهضت آزادی توانست راه جدیدی را در پیش پای همه مبارزین اصیل و صادق بگشاید. که همچنان ادامه یافت. از آن پس جنبش انقلابی بطور عام و جنبش اسلامی بطور خاص شتاب جدیدی به خود می‌گیرد. که اوج آن را ۱۵ خرداد می‌بینیم.

درست است که قیام ۱۵ خرداد از جهت هدف‌های سیاسی - نظامی شکست خورد اما از جهت تکامل کیفی جنبش انقلابی اسلامی یک نقطه عطف تاریخی بود بطوری که این بعد از ۱۵ خرداد است که سازمان‌های انقلابی اسلامی نظیر جاما - حزب ملل اسلامی - مجاهدین خلق - گروه ابوذر - تشیع سرخ - مهدویون - پویندگان حق و ..... و ده ها گروه دیگر در سرتاسر ایران بوجود می‌آیند.

اینکه این گروه‌ها عمدتا براساس ایدئولوژی اسلامی و استراتژی جهاد مسلحانه تشکیل می‌گردند، حاصل رشد طبیعی و تکامل یابنده حرکت اسلامی و ضرورت‌های نوین حرکت آزادی‌بخش می‌باشد. اینکه برخی بیایند با اسطوره‌پرستی و الگوسازی بخواهند این پدیده را باصطلاح خودشان تحلیل کنند و آن را ایدئولوژی خرده بورژوازی با سنت مبارزه‌جویی معرفی کنند، یک ساده‌گرایی ذهنی ساده‌لوحانه و یک امید و آرزوی روشن‌فکرانه‌ای بیش نیست. و مسلما محکوم به شکست است. اما این مسئله فعلا مورد بحث ما نیست. طرح و بحث آن باید در جای دیگر عنوان شود و روشن گردد. و خصوصا روشن شود در شرایط کنونی مبارزه طرح این ادعا که اسلام ایدئولوژی خرده‌بورژوازی است به چه معناست؟ و چرا؟ آنچه ما در این جا می‌خواهیم بیاوریم اینست که رژیم کودتا، در برخورد با رشد گسترش حرکت آزادی‌بخش خلق ما در سال‌های قبل از ۱۵ خرداد تغییر برنامه داد.

برنامه دمکراسی حساب شده‌اش جای خود را به «خشونت سبعانه محمدرضا شاهی» سپرد. و این برنامه با یورش وحشیانه به دانشگاه تهران، به مدرسه فیضیه قم، و دستگیری‌های وسیع مبارزین در همه‌جا آغاز شد و با سرکوبی وحشیانه و بی‌سابقه ۱۵ خرداد به نفع موقتی رژیم به مرحله جدیدی وارد شد، با شکست قیام ۱۵ خرداد جنبش آزادی‌بخش خلق ما نیز دچار یک تحول کیفی در استراتژی خود گردید. این تحول کیفی که خود ناشی از روند طبیعی رشد و تکامل جنبش اسلامی بوده، توانست نهضت آزادی‌بخش ما را از بن‌بست سیاسی نجات دهد. و برعکس رژیم را به بن‌بست سیاسی بکشد.

رشد این تحول کیفی را نباید صرفاً اتخاذ استراتژی جهاد مسلحانه تصور کرد. بلکه آنچه که نهضت آزادی‌بخش خلق ما را توانست به راه جدیدی بکشد، توده‌های وسیعی را بسیج کند و رژیم ضدانقلابی را در بن‌بست قرار دهد. سلطه ایدئولوژی انقلابی بر کل جنبش و مسلح شدن مبارزه به سلاح عقیدتی و اوج‌گیری آن در این مقطع زمانی است. و این هر دو حاصل طبیعی رشد تکامل‌یافته جنبش اسلامی بوده است.

هر کس بخواهد به این معنا بی‌اعتنا باشد و آن را با ذهنی‌گری و تمایلات باصطلاح روشنفکرانه خود نادیده بگیرد عملاً به بزرگ‌ترین انحرافات ضدانقلابی دچار شده است. چه این بدان معناست که نقش سازنده و خلاق جهان‌بینی ایدئولوژی را در حرکت‌های سیاسی - انقلابی، بخصوص در بعد جهاد مسلحانه آن نادیده انگاشته و نفی نماید! کافی است به استراتژی و تاکتیک‌های تبلیغاتی فرهنگی رژیم در برخورد با اسلام توجه شود. و دقت کافی مبذول شود به سببیت و وحشی‌گری‌های رژیم در برخورد با مسلمانان اصیل و صادق که برخوردی است سخت‌کینه‌توزانه، و انتقامی و برخوردی است حساب‌شده.

رژیم شاه و مغزهای متفکر و متسشاران داخلی و خارجی‌اش این را به خوبی حس کرده و می‌بیند. و در رابطه با همین پدیده و به خاطر مقابله تبلیغاتی‌اش با این تحول جدید در جنبش و برای خروج از این بن‌بست است که اصطلاح «مارکسیسم اسلامی» را ابداع می‌کند. چرا؟ چه ضرورتی او را به اختراع این اصطلاح مجبور ساخته است؟

رژیم کودتای شاه پس از قیام ۱۵ خرداد، به خصوص بعد از اولین تظاهرات خارجی وجود سازمان‌های انقلابی، در خط‌مشی تبلیغاتی خود نسبت به حرکت اسلامی تغییر محسوسی را می‌دهد. از آن پس، مثلاً - کمتر نامی از خمینی برده می‌شود رژیم شاه که کینه‌ای عمیق از این رهبر عالیقدر ملت ما دارد، از آوردن اسم خمینی سخت هراسناک است، نویسندگان و تهیه‌کنندگان سخنان شاه، بدون آوردن اسم خمینی از «ارتجاع سیاه» یاد می‌کنند! روزنامه دولتی، خبری را که ساواک درباره تظاهرات پرشور سالگرد ۱۵ خرداد امسال به آنها داده بود چاپ کردند و آنجا که با تعجب باورنکردنی پشتیبانی دانشجویان را

از امام خمینی می‌خواهند بنویسند فقط به این اشاره می‌کنند که:  
این عده از دانشجویان که ... و زمانی خود را روشنفکر مذهبی می‌نامند ضمن اخلال در مراکز آموزش عالی ... کلا از فردی متابعت می‌کنند که چه در گذشته و چه در زمان حال با هرگونه اصلاحی در کشور مخالف بوده ... - نقل از کیهان هوائی ۲۴ خرداد ۵۴.  
با وجودی که امام خمینی در موارد متعدد، حتی از تبعیدگاه صریحا علیه شاه و رژیم پلیسی‌اش، علیه امپریالیسم و عملکرد آن علیه استعمار خارجی - علیه سلطه صهیونیسم در کشور ما علیه حزب شه‌ساخته رستاخیز... مواضع خود را روشن ساخته‌اند و ملت مسلمان ما را به مقاومت و مقابله علیه طاغوت‌های زمان دعوت و تهییج و بسیج کرده‌اند و با وجودی که پلیس شاه هزاران نفر از مردم بی‌گناه ما را صرفا به جرم داشتن «رساله آقا» و یا اعلامیه‌ای از نامبرده دستگیر و شکنجه و شهید نموده است و یا به زندان‌های طویل‌المدت و یا تبعید محکوم نموده است، معذالک شاه و نوکران او حاضر نیستند نام خمینی را ببرند. از آن هراس دارند. وحشت می‌کنند! چرا؟ آیا این وحشت انعکاس نفرت و کینه شخصی و فردی شاه است؟ یا آنکه این خط مشی تبلیغاتی رژیم علیه خمینی، نه به عنوان یک فرد یا شخصیت، بلکه به عنوان رهبری‌کننده یک جریان حماسه آفرین اسلامی است؟

به همین ترتیب هم رژیم در مورد مجاهدین مسلمان و انقلابیون اصیل و راستین عمل کرده و می‌کند. مثلا گروه‌های انقلابی هر بار که دست به عملیات سیاسی - نظامی می‌زنند، طی اطلاعیه‌ای مسئولیت آن را برعهده می‌گیرند، و امروز زندان‌های شاه مملو از هزاران مسلمان مجاهد و مبارزی می‌باشد که دلیرانه در زیر شکنجه‌های وحشیانه رژیم مقاومت می‌کنند. اما معذالک رژیم تابحال حاضر نشده است بوجود یک سازمان سیاسی - نظامی با هویت اسلامی اعتراف کند. مقامات پلیسی رژیم و شاه بارها با حملات مستقیم خود به حزب توده یا به کمونیست‌ها به موجودیت آنان اعتراف نموده‌اند. اما درباره سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی اسلامی نظیر، گروه ابوذر، مهدویون، تشیع سرخ، حزب‌الله، مجاهدین خلق، گروه پویندگان حق حاضر به چنین اعترافی نشده‌اند. و این بدون شک از ترس و وحشت خاص رژیم از جنبش‌های انقلابی - به خصوص از جنبش انقلابی اسلامی حکایت می‌کند.

رژیم نمی‌توانسته است بیاید بگوید که مسلمانان مجاهد و مبارز راستین چون حنیف‌نژادها - رضائی‌ها - سعید محسن‌ها - بازرگانی‌ها - ناصر صادق‌ها - مفیدی‌ها - عباسی‌ها - دیباج‌ها - مشکین‌فام‌ها - میهن‌دوست‌ها - باکری‌ها - شامخی‌ها.

و صدها شهید با نام و نشان - یا گمنام - از بنیان‌گزاران مترقی‌ترین انقلابات اخیر ایران، مسلمان هستند. اعتراف به این مسئله از طرف رژیم به تشدید آن جریان‌اتی منجر می‌گردد که رژیم سخت از آن می‌ترسد. ترس رژیم تنها از یک حرکت مسلحانه نیست. چه اگر

حرکت مسلحانه در ایران، براساس درک صحیح‌ترین و منطقی‌ترین واقعیت‌های جامعه ما نباشد، و با آن سلاح ایدئولوژی انقلابی که قادر به بسیج همه نیروهای مقاوم و مخالف، نباشد و محصول رشد تکامل یابنده نهضت اصیل آزادی‌بخش ملی ما نباشد، و نتواند توده‌ها را بسیج نماید، لاجرم تنها و ایزوله مانده و محکوم به شکست خواهد بود.

اما از طرف دیگر رژیم بیاید و ادعا کند که اینها - مسلمانان مجاهد و مبارز انقلابی مارکسیست هستند. سرتاسر زندگی این افراد - نوشتجات آنان - مدافعات آنان در دادگاه‌های فرمایشی خود رژیم همه و همه دلایل زنده و روشنی هستند از هویت اسلامی این مجاهدین راه حق.

رژیم چگونه می‌تواند چنین ادعائی را بنماید. و خود رژیم بهتر از هر کس می‌داند که اتهام مارکسیست بودن یا شدن مجاهدین مسلمان وصله ناجوری است که با هزار من سریشم هم نخواهد چسبید. و مردم ما آن را نخواهند پذیرفت.

حتی اگر چنانچه مارکسیست بودن یا شدن مجاهدین نه بصورت اتهامی از جانب رژیم، بلکه بصورت ادعائی از جانب افراد دیگری هم مطرح می‌گردد باز مورد قبول واقع نخواهد شد. اگر باشند کسانی که با ذهنی‌گری و یا به خاطر علائق خاص ایدئولوژیکی خودشان، نه براساس مصالح جنبش، با پیشداوری بخواهند چنین ادعا کنند چه کسی آن را خواهد پذیرفت؟ هنوز خون این مجاهدین شهید عالیقدر خشک نشده است.... هنوز طنین خطبه‌های جهاد این شهدای در سپیده‌دم شهادتشان در گوشها صدا می‌دهد....

هنوز فریاد الله اکبر مجاهدین در زیر شکنجه‌گری جلادان رژیم شاه زندان‌ها را پر کرده است... هنوز اشعار زیبا و پرشور انقلابی و سرودهای توحیدی مجاهدین راستین و صادق از شهید و اسیر دست بدست، میان مردم ما می‌گردد... مگر این نوار صدای رضا رضائی شهید والاتبار و انقلابی بزرگ خلق ما نیست که در «سپاس آخر» خطاب به مادر بزرگوارش - که هم‌اکنون در زندان کمپته و زیر شکنجه است نه‌تنها زبان حال مهدی شهید بلکه احساس درونی و ایمان واقعی خود را عرضه می‌دارد آنجا که می‌گوید:

«آن نغمه‌های پاک که خواندی هزار بار

در گوش و جان خسته‌ام آغاز راز کرد

با آیه‌های سوره فجر و حدید و صف

بر روی من دریچه امید باز کرد»

در اینجا رضا - نه‌تنها «ماهیت و هویت ایدئولوژی خود را معرفی و بیان می‌کند، بلکه حرکت مسلحانه را ناشی و به دنبال تربیت اصیل اسلامی خود می‌داند. آنجا که می‌گوید:

«مادر ببین که بذر نخستین که کاشتی

در جان من شکفت و زهر سو جوانه زد  
وان شعله که در دل من بر فروختی  
از لوله سلاح من اکنون زبانه زد»

حالا چه کسی می‌تواند بیاید سازمانی را که این شهیدان عالیقدر با خون خود رشد و نمود و استحکام و انسجام آنرا آبیاری کردند بگویند مارکسیست است؟ یا مارکسیست شده است؟ مگر مردم می‌پذیرند که افرادی بیایند و ادعا کنند که مسلمان هستند و یا بودند... اما بعداً تغییر ماهیت دادند و حالا مارکسیست شده‌اند؟ و می‌خواهند هویت اعتقادی سازمان را عوض کنند!

اگر چنان کسانی باشند در نظر مردم عوام‌فریبانی خواهند بود که با عواطف و احساسات مردم بازی می‌کنند. مردم به خوبی می‌دانند اسلام چیست و مارکسیسم کدام است. این مردم نیستند که اینها را مخلوط می‌کنند، این رژیم شاه است که می‌خواهد این دو را با هم التقاط دهد. و لذا مارکسیسم اسلامی را ابداع کرده است. تا بتواند با آن هم مارکسیست‌ها و هم مسلمان‌ها را بکوبد. رژیم که از جهت هویت عقیدتی مجاهدین اصیل در بن بست قرار گرفته بود. با برچسب «مارکسیست اسلامی» در واقع می‌خواهد بگوید که این افراد اگر چه از خدا و قرآن صحبت می‌کنند اما در واقع مارکسیست هستند! اما چون تابحال نتوانسته است کوچک‌ترین سندی و مدرکی از اسناد خود مجاهدین ارائه دهد تا مارکسیست بودن آنها را ثابت کند لذا اصطلاح «مارکسیسم اسلامی» را ابداع کرده است در غیر این صورت می‌توانست برای اثبات مارکسیست بودن آنها از اسناد خود مجاهدین استفاده تبلیغاتی کرده و در صفوف مبارزین ایجاد اختلاف نموده و مجاهدین را ایزوله ساخته و آنها را از توده‌های پشتیبانش جدا سازد.

روشن است که این مسئله چه لطمه بزرگی به جنبش خواهد زد. چگونه می‌توان به هزاران مردمی که با عشق به خدا با ایمان به خلق با تمام وجودشان از مجاهدین اصیل پشتیبانی کرده‌اند گفت که مجاهدین تغییر ماهیت داده‌اند! بدون آنکه این امر در مردم احساس خیانت به حرکت انقلابی را بوجود نیاورد!

این احساس لاجرم به احساس تنفر و انزجار نسبت به کسانی که مسئول این وضع باشند متوجه خواهد شد. حالا اگر این عناصر بیایند و ادعا کنند که مارکسیست هستند این تنفر طبیعی است که بسوی مارکسیست‌ها متوجه گردد. این را بخوبی می‌توان پیش‌بینی کرد. ادعای این گونه تغییرات در بنیاد ایدئولوژی یک سازمان انقلابی تنها و تنها به نفع رژیم شاه تمام می‌شود. و استفاده از آن خطوط کلی مشی تبلیغاتی رژیم را تشکیل خواهد داد. تا بدان وسیله به آن وحدت و تشکیلی که در سایه سلطه عام و وسیع ایدئولوژی انقلابی

اسلامی در کل جنبش بوجود آمده است خدشه وارد می‌سازد.

حملات رژیم علیه مسلمانان مجاهد تازگی ندارد. این حملات نه بخاطر آنست که احتمالاً برخی از فعالین مجاهدین مارکسیست باشند. چه می‌دانیم که برای رژیم فرقی نمی‌کند که چه کسانی با او واقعا می‌جنگند. او دشمن همه یاران خلق و همه مبارزین و انقلابیون اصیل و راستین است. در تمام انقلابات جهان همه کسانی که به نهضت‌های انقلابی پیوسته‌اند دارای یک جهان‌بینی متحدالشکل نبوده‌اند. جنبش‌های انقلابی در مسیر تکاملی خود می‌بایستی در برگیرنده همه نیروهای انقلابی باشند. تشکل تمامی نیروها تحت یک رهبری واحد - از عام‌ترین وجه اشتراک تمام انقلابات است. در ایران هم‌اکنون این وحدت نیروها در تحت سلطه ایدئولوژی انقلابی اسلامی بوجود آمده است و این است که رژیم بیش از هر زمان دیگری حرکت اسلامی را به زیر سخت‌ترین ضربات و حملات خود گرفته است. و نسبت به اسلام اصیل و مسلمانان راستین سخت‌ترین کینه‌ها را نشان می‌دهد. ملت ما، در عین حال که تفاوت میان جهان‌بینی اسلامی و مارکسیسم را می‌داند، اما به مارکسیست‌های انقلابی و اصیل و صادق همان اندازه احترام می‌گذارد که به مسلمانان مجاهد و صادق و متعهد، به شرطی که کسانی نباشند که دچار بدترین نوع ایده‌آلیسم و اوهام روشنفکرانه شده باشند و خیال کنند که چون ایدئولوژی انقلابی اسلامی از تحرک بیشتری برخوردار است پس می‌توان موقتا پوشش اسلامی را بر تن کرد تا کار توسعه یابد و جاییفتد و سپس تغییر پوشش داد. یا خیال کنند با بودن چند نفر مارکسیست در یک سازمان می‌توان هویت آن سازمان را تغییر داد. هویت یک سازمان به‌خصوص یک سازمان انقلابی را نه با یک یا چند عضو می‌سنجند و نه با یک یا چند اعلامیه‌اش. هویت عقیدتی و سیاسی یک سازمان به عنوان یک پدیده اجتماعی جدای از هویت عقیدتی و انقلابی موسسین آن - تاریخ آن - عملکرد آن، مجموعه انتشارات آن - استراتژی مبارزات و فرهنگ انقلابی‌اش و خون‌های پاک که رهروان راه آن مکتب در راه پیروزی آرمان‌های سازمان نثار کرده‌اند، جدا نیست، اینها را نمی‌توان از هویت یک سازمان جدا ساخت. هرگونه تفکر و تصویری یا اقدامی به جز این محکوم است. و هر گونه تلاشی در معرفی ماهیت عقیدتی یک سازمان به جز این مردود است.

این ادعای رژیم و یا هر کس دیگری محکوم است چرا که هر عنصر انقلابی لاجرم باید صادق باشد. صداقت انقلابی جزو لاینفک هر حرکت انقلابی است. مارکسیست‌های راستین و انقلابی احتیاجی نمی‌بینند که در سازمان‌های انقلابی اسلامی - نظیر مجاهدین - بروند و فعالیت کنند. چه آنها می‌توانند با پیوستن به سازمان‌های انقلابی مارکسیستی از آن جمله سازمان چریک‌های فدائی خلق، متشکل‌شده و به امر انقلاب ایران کمک کنند. این‌گونه

مارکسیست‌ها لزومی نمی‌بینند که بیایند و بروند در سازمان‌های اسلامی رخنه کنند و سپس ماهیت عقیدتی آنها را تغییر بدهند.

اینست که می‌بینیم چگونه رژیم با در بن‌بست قرار گرفتن به حربه مارکسیسم اسلامی توسل جسته است.

ممکن است در شرایط خفقان شدید - و به علت ساختمان درونی یک سازمان سیاسی - نظامی، مسئولین تبلیغاتی سازمان اینجا یا آنجا، اشتباهاتی بنمایند. یا حتی بخشی از رهبری سازمان منحرف شود. اما این به معنای تغییر بنیادی و کلی همه سازمان و همه اعضای آن نمی‌باشد. سازمان‌های انقلابی در همه جای دنیا دچار مشکلاتی درونی می‌شوند. اشتباهات رخ می‌دهد، لطماتی وارد می‌گردد. اما حرکت انقلابی در کل و سازمان یا سازمان‌های وابسته بدان - در طی این جریانات - با عبور از گذرگاه سخت و طولانی تصفیه می‌شود. اما ماهیت حرکت - چه به لحاظ استراتژی مبارزه و چه به جهت ماهیت ایدئولوژیک تغییر نمی‌کند. در مسیر این حرکت شک نیست که دشمن خواهد کوشید تا اگر از بیرون نتوانسته است سازمان انقلابی را متلاشی سازد، به درون آن رخنه نموده و آن را از درون به شقاق و نفاق، و کشتار یکدیگر مبتلی سازد. ما خود ناظر این جریانات و وقایع تأسف‌آور در آمریکای لاتین و افریقا می‌باشیم.

تنها با هشیاری - باحساس مسئولیت و تعهد عمیق انقلابی است که می‌توان از این انحرافات و خطرات جلوگیری کرد.

در کشور ما واضح است که دو حرکت انقلابی پاپیای هم و به موازات هم علیه امپریالیسم و استعمار خارجی و عوامل داخلی آن دست به قیام مسلحانه زده‌اند. سازمان چریک‌های فدائی خلق، براساس و بنیان مارکسیسم - لنینیسم استراتژی و تاکتیک‌های خود را استوار ساخته است. و با کمال صداقت و اصالت انقلابی چریک‌های فدائی خلق و روح گذشت و فداکاری - ایثار جان و مال هستی خودشان را در راه اهداف جنبش انقلابی و رهائی خلق ستمدیده ایران تعظیم و تکریم نمائیم. و سخن برادر مجاهد شهید ناصر صادق را رهنمود خود قرار می‌دهیم که در دادگاه نظامی رژیم گفت: «درست است که ما مسلمانیم و مطالعات اسلامی داریم ولی به مارکسیسم به عنوان یک مکتب مترقی اجتماعی احترام می‌گذاریم.»

ما هم به این عناصر احترام می‌گذاریم. اما بدون شک جهان‌بینی - ایدئولوژی اسلامی ما از مارکسیسم جداست و این احترام به معنای قبول عقاید و افکار مارکسیستی نیست.

مارکسیست‌های انقلابی نیز لاجرم - به علت انقلابی بودنشان باید صادق باشند. آنها نیز نظیر گل‌سرخ‌ها - در برابر دشمن و در بی‌دادگاه خلق با کمال شهامت انقلابی اعلام می‌کنند که مارکسیست - لنینیست هستند اما به اسلام به عنوان یک عقیده مترقی و انقلابی

احترام می‌گذارند. این است شیوه انقلابیون راستین.

ما که به وجوه افتراقی اسلام و مارکسیسم به خوبی آشنا هستیم به رژیم شاه اجازه نخواهیم داد که مارکسیسم را چماقی برای کوبیدن مسلمانان مجاهد و مبارز بنماید. یا برعکس اسلام را علیه مارکسیست‌های صادق مورد استفاده قرار دهد.

از آنجا که حفظ و بقا و گسترش جنبش انقلابی وحدت یکپارچه همه مبارزین واقعی را می‌طلبد و از آنجا که جنگ واقعی ما - جنگی خواهد بود طولانی - لذا چه در شرایط کنونی و چه در شرایط آتی هرگونه کوششی برای تخطئه ایدئولوژی انقلابی اسلامی محکوم است. کسانی که در شرایط سخت کنونی مبارزه به بیماری الگوسازی و اسطوره‌پرستی مبتلی شده‌اند و نمی‌توانند واقعیت‌های عینی را ببینند و درک کنند و اصرار دارند تا اسلام راستین را «ایدئولوژی خرده‌بورژوازی» جامعه ما معرفی کنند که گویا مبارزه‌اش «جنبه علمی» ندارد و تنها «براساس غریزه طبقاتی‌اش» می‌باشد و «خودبخودی» است و «رنگ عاطفی» دارد... سخت در اشتباهند. و عملاً واقع‌بینی انقلابی خود را از دست داده‌اند. آخر این‌گونه تحلیل‌های ذهنی‌گرانه به نفع چه کسی و چه حرکتی و چه سازمانی، جز رژیم شاه تمام خواهد شد؟

خصوصاً اگر توجه شود که وقتی اینها حرف‌های خود را در قالب و پوشش افکار مارکسیستی می‌زنند. این یعنی دعوت به یک جنگ عقیدتی در درون جنبش... که به نظر ما محکوم است. چگونه می‌توان انتظار داشت که: جمعی تحت پوشش مارکسیستی بیایند و به آن عقاید و آرمان‌ها و آن ایدئولوژی انقلابی اسلامی که صدها شهید خون خود را در راه حقانیت آن نثار کرده‌اند و هزاران انسان طراز نوین - انسان‌های توحیدی به‌خاطر آن - در زندان‌های رژیم شاه اسیر و دربند هستند حمله کند و حرکت آگاه‌ترین انسان‌های جامعه ما را حرکتی «خودبخودی» - «عاطفی» - «غیرعلمی» بخوانند و آن را تخطئه کنند! و مسلمان‌های اصیل در برابر آنها سکوت نمایند؟ این عمل ضدانقلابی است و صرفاً به نفع دشمنان خلق - امپریالیسم جهانی و رژیم شاه تمام می‌شود و محکوم است.

ما مطمئن هستیم که عناصر انقلابی - بخصوص مجاهدین مسلمان و راستین با واقع‌بینی و تحرک انقلابی خود موانع را از پیش‌پا برداشته بار دیگر جنبش را از این مرحله سخت بحرانی به سوی تشکل و انسجام هرچه بیشتر سوق خواهند داد.

مستحکم باد اتحاد همه نیروهای اصیل انقلابی

سرنگون باد بساط استبدادی رژیم شاه

برچیده باد سلطه امپریالیسم و استعمار

پیروزی از آن مبارزین و انقلابیون راستین است.



## به حرکت محرومین کمک کنید

هموطنان عزیز .... برای حق .... مرزهای وطنی معنی ندارند. همه جا سرزمین خداست. و همه انسانها، مخلوق خدا ... و همه با هم برابر و برادرنند. تنها مرزی که برای مرد حق، و مرد توحیدی قابل شناخت است، مرز میان حق و باطل، میان عدالت و ظلم، میان ظالم و مظلوم، میان دوست و دشمن خلق، مرز میان استثمار شده و استثمارگر، میان استعمارطلب و استعمارشده، میان ستمگر و ستمدیده است. جهان بینی توحیدی سلاحی است که به ما آنچه را شناختی می دهد تا بتوانیم این مرزها را بشناسیم و سپس با احساس مسئولیت بعنوان انسان های آگاه و هوشیار، انسان های توحیدی به صف خلق های استعمارشده .... به صف مبارزین راه حق و حقیقت، راه پیروزی خلق ها بپیوندیم.....

حرکت المحرومین لبنان - نماینده اصیل ترین جنبش ضداستعماری و ضداستبدادی منطقه می باشد.

در حالی که سایر نیروهای منطقه - هر یک از حمایت های مادی و مالی و حمایت های سیاسی این یا آن ابرقدرت و یا دولت های عربی برخوردار هستند.... حرکت المحرومین لبنان تنها به توده های محروم لبنانی متکی است و چشم امیدش نه به ابرقدرت ها، و نه به سایر دولت های عربی است... بلکه امیدش تنها به حق و نیروی خود و پشتیبانی همه مردم حق طلب می باشد.

شما در هر کجا که هستید می توانید به این حرکت اصیل انقلابی کمک کنید. در شماره های گذشته ما کوشش کرده ایم تا طی گزارشاتی شما را با مشخصات این حرکت و اهداف آن و عملکرد آن آشنا سازیم در این شماره خلاصه ای از میثاق آنها را به اطلاع شما می رسانیم.

این شما... و احساس مسئولیت و تعهدات .... و احتیاجات یک حرکت اصیل اسلامی.

پیام مجاهد: کمک های مالی خود را با تعیین مصرف آن (برای حرکت المحرومین) به آدرس صندوق پستی ما ارسال دارید.

## میثاق حرکت المحرومین

ترجمه خلاصه ای از قسمت های مهم میثاق حرکت المحرومین لبنان برای اطلاع خوانندگان در زیر درج می گردد:

- ۱- ایمان به خدا و احترام به کرامت انسان به منزله خلیفه اله در زمین
- ۲- تکیه بر میراث‌های فرهنگی و تاریخی و سنتی - با استفاده از تجارب دیگران
- ۳- تحقق عدالت اقتصادی برای همه محرومین - مبارزه با استثمار، احتکار، نظام مصرفی کمپرادور
- ۴- نظام دموکراسی - مساوات و برابری همه طوایف در مقابل قانون - مبارزه با دیکتاتوری و نظامی‌گری - مبارزه با فئودالیسم
- ۵- استقلال و تمامیت ارضی لبنان - مبارزه با استعمار و نفوذ دولت‌های خارجی - دفاع از جنوب لبنان در مقابل مطامع اسرائیل

### اسرائیل و طرح‌های نابودی اماکن مقدسه

از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ و اشغال اماکن مقدسه مسلمانان و مسیحیان بوسیله یهودیان، اسرائیل بارها و در طی طرح‌های خائنانه خود، نسبت به تخریب، نابودی، و تغییر شکل این اماکن مقدسه اقدامات پیوسته‌ای کرده است. به طوری که همواره صدای اعتراض مسلمانان و مسیحیان را در نقاط مختلف جهان بلند کرده و نگرانی ایشان را نسبت به نابودی این آثار تاریخی و مذهبی برانگیخته است.

هیأت نمایندگی عربی فلسطین اخیراً در پاسخ به دروغ‌پردازی‌های «ویویان هرزاگ» نماینده اسرائیل در سازمان ملل متحد درباره نگهداری از اماکن مقدسه، نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد نوشته است که حاوی نکات و اطلاعات جالبی در زمینه اقدامات و طرح‌های اسرائیل برای هتک حرمت، نابودی و تغییر شکل اماکن مقدسه در سرزمین‌های اشغالی می‌باشد. ما متن این نامه را عیناً ترجمه کرده در اینجا می‌آوریم. این نامه هدف‌های امپریالیستی را به خوبی روشن کرده و تسلیم‌طلبانه بودن قرارداد اخیر مصر را با اسرائیل بیش از پیش آشکار می‌سازد.

آگوست - ۲۶ - ۷۵

جناب آقای دکتر «کرت والدهایم» دبیر کل سازمان ملل متحد  
چقدر درخور شخصیت «ویویان هرزاگ» فرماندار نظامی سابق ساحل غربی رود اردن که مورد کیفرخواست جنایات جنگی مردم‌کشی و جنایات ضدبشری می‌باشد که مأموریت باصطلاح دیپلماتیک خود را در سازمان ملل با فرستادن نامه‌ای برای جناب‌عالی (مورخ ۲۰

اوت ۱۹۷۵) شروع کند (در روز دوم تقدیم استوارنامه خود). این نامه مملو از دروغ‌های شرم‌آور و وارونه جلوه‌گر ساختن حقیقت‌هاست. هیئت نمایندگی فلسطین وظیفه خود می‌بیند که حقایق واقعی و مستند اعمال مقامات صهیونیستی را در فلسطین اشغال شده در مورد اماکن مقدسه تمام مذاهب معرفی کند:

۱- در جنگ اکتبر ۱۹۴۸ فلسطین یهودیان، اماکن مقدسه مسلمان و مسیحی را مورد ویرانی، هتک تقدس و بی‌حرمتی در سرتاسر ناحیه اشغال شده فلسطین قرار دادند. اسناد سازمان ملل حاوی جزئیات این حقایق و اعتراضات رهبران روحانی مسلمان و مسیحی می‌باشد.

۲- از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ مقامات صهیونیست در فلسطین اشغال‌شده هدف از ریشه‌کنی مسیحیت و اسلام را از سرزمین مقدس تعقیب کردند. بیش از ۲۰ کلیسا و ۳۰۰ مسجد، کاملاً بوسیله آنها منهدم یا به وضع بسیار موهنی مورد استفاده قرار گرفت.

۳- در حین جنگ ۱۹۶۷ نیروهای صهیونیست شهر مقدس اورشلیم را بمباران کردند. دروازه مرکزی مسجدالاقصی متلاشی گردید. گنبد و مناره‌های آن مورد اصابت مستقیم قرار گرفتند. گنبد صخره نیز مورد اصابت در محل‌های متعدد قرار گرفت و شدیداً صدمه پذیرفت.

پس از اشغال بیت‌المقدس اوباش یهودی، تظاهرات، فستیوال‌های رقص و مجالس شرم‌آوری در محل مقدس «حرم‌الشریف» برپا کردند. دروازه‌های گنبد صخره و مسجدالاقصی را برای جهانگردان یهودی زن و مرد با سگ‌هایشان باز کردند. مرد و زن با شلوارهای کوتاه وارد این امکنه مقدس شده و مرتکب اعمال شرم‌آور و اهانت‌آمیز شدند.

نیروهای اسرائیلی ۱۳۵ ساختمان و یک مسجد را که همه متعلق به اوقاف اسلامی در بیت‌المقدس بود با دینامیت منفجر کردند تا محلی برای میدانی در جلو «البوراق» که دیوار غربی مسجدالاقصی می‌باشد بوجود آورند.

۴- یهودیان به حقوق مذهبی مردم مسلمان در این مکان مقدس (البوراق) که یهودیان آن را «دیوار ندبه» می‌نامند تجاوز کردند. مهم است بخاطر آورده شود که اغتشاشات ۱۹۲۹ در فلسطین، بوسیله کوشش یهودیان برای برقرار کردن حقوق جدید جهت خودشان در همین محل البوراق بوجود آمده بود. در ۱۹۳۰ دولت بریتانیا بعنوان قیم فلسطین از طرف و با تأیید مجمع ملل (League of nations) هیئتی را برای بازجوئی حقوق و دعاوی اعراب و یهودیان در مورد این مکان مقدس البوراق منصوب نمود. پس از استماع صدها شاهد و آزمایش مدارک مستند هیئت تصمیم گرفت که حق تملک قانونی دیوار غربی انحصاراً به مسلمانان تعلق دارد و دیوار فعلی بوسیله مسلمانان ساخته شده و هیچ‌گونه رابطه‌ای با

معبد یهودیان ندارد.

علی‌رغم این حقیقت که دیوار غربی مسجدالاقصی که به غلط دیوار ندبه نامیده می‌شود هرگز متعلق به یهودیان و یک مکان مقدس یهودی نبوده است، معذالک مقامات یهودی در فلسطین اشغال شده و سازمان‌های یهودی در سرتاسر جهان تبلیغات فریب‌آمیزی را جهت گول‌زدن آراء عمومی جهان به باوراندن اینکه این مکان از یهودیانست برپا داشتند.

۵- در جنگ ۱۹۶۷ نیروهای اسرائیلی، کلیساهای مسیحی بسیاری را در شهر قدیم اورشلیم و کلیسای ناتیوتی بیت‌الحم را به توپ بسته و نابود نمودند. این نیروهای دروازه‌های کلیسای مقدس سپولکر را به روی یهودیان گشودند در حالی که آنان به درون این مقدس‌ترین مکان مسیحیت با لباس‌های شرم‌آور اعمال موهن و شوخی و آوازه‌خوانی سرازیر شدند. آنان تنفر تعصب‌آمیز و دشنام‌های ضد‌مسیحیت و ضد حضرت مسیح(ع) را در داخل این مکان مقدس و مجاور مقبره حضرت مسیح ابراز داشتند.

یک شاهد عینی آمریکائی بنام Nancy Nolan از اهالی Grosse III. Michigan که همسر دکتر ابو حیدر از بیمارستان دانشگاه امریکائی بیروت در لبنان می‌باشد طی یک نامه سرگشاده خطاب به مسیحیان مغرب‌زمین شرح و مشاهدات عینی خود را درحین و بعد از اشغال بیت‌المقدس چنین بیان می‌دارد:

در حالی که مقامات اسرائیلی به دنیا اعلام می‌دارند همه ادیان مورد احترام و حمایت ایشان می‌باشند و اطلاعیه‌هایی جهت مشخص کردن امکان مقدس نصب می‌کنند، سربازان اسرائیلی و جوانانشان بمب‌های حاوی مواد متعفن را به درون کلیسای مقدس سپولکر پرتاب می‌کنند. صدای اذان که سابقاً از هر مناره‌ای پنج‌بار در روز به گوش می‌رسید دیگر در این سومین شهر مقدس میلیون‌ها مسلمان دنیا شنیده نمی‌شود.

کلیسای «سنت‌آن» که حفره آن نشان‌دهنده محل تولد حضرت مریم می‌باشد شدیداً صدمه دیده است. همچنین کلیسای ناتیوتی در بیت‌الحم نیز آسیب یافته است. کشتار بیهوده متولی گاردنتی در تعقیب تیراندازی به خود مقبره که برای کشتن همسر وی صورت گرفت نمونه دیگری بود که ما دست اول ناظر آن بودیم و نمایاننده بی‌توجهی محض نیروهای اشغال‌گر نسبت به اماکن مقدس و احساسات مذهبی مردم در اردن و بقیه جهان می‌باشد.

بی‌حرمتی به کلیساهای مسیحی ناتیوتی و کلیسای مقدس سپولکر که شخصاً از آن اطلاع دادیم شامل: سیگار کشیدن، اشغال ریختن، آوردن سگ و ورود با لباس ناشایسته می‌باشد. این‌گونه رفتار را نمی‌توان به جز توهین مستقیم به دنیای مسیحیت تلقی کرد.

روحانی مسیحی جیمز کلسو رئیس سابق کلیسای پرس بی‌تاریخ که سال‌ها در فلسطین زندگی می‌کرده، صدمه و بی‌حرمتی به اموال کلیسا را در مقاله‌ای که در شماره ۲۱ ژوئیه ۱۹۶۷ مجله «مسیحیت امروز» به چاپ رسید توصیف کرد. این شخص سؤال می‌کند که «چگونه اسرائیل به اموال کلیسا در جنگ چند هفته قبل حرمت نهاد؟» و جواب می‌دهد که: «آنها محل کلیسای اپیسکوپال را همانطور که در ۱۹۴۸ مورد حمله قرار دادند مورد اصابت گلوله‌ها قرار دادند. آنها برای آنکه تانک‌هایشان بتواند به قسمت بیت‌المقدس عربی راه یابد مدرسه پسرانه اپیسکوپال را منهدم کردند. اسرائیلی‌ها محل YMCA را که پناهندگان عرب با آنها هم‌علاقه در آن هنر کارهای دستی خود را بکار برده بودند با خاک یکسان نموده و اموال آن را به غنیمت بردند.

آنها بیمارستان بزرگ «لوتران» را منهدم کردند گرچه به وسیله سازمان ملل متحد مورد استفاده بود. این بیمارستان به تازگی بخش جدید کودکان و بخش تجسس علمی را افتتاح کرده بود. لاتران سنتر برای مفلوجین نیز آسیب دید. در شهر رامالا در نزدیکی بیت‌المقدس مدرسه دخترانه اپیسکوپال مورد تیراندازی واقع شده و چند دختر در آن کشته شدند. اثرات بد این سومین جنگ یهودیان با اعراب بروی مسیحیت به قدری بود که یکی از بهترین گروه‌های مبشرین در خاورمیانه آن را بزرگ‌ترین عقب‌رانی بزرگ مسیحیت پس از سقوط قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ شمرد. مسئله بسیار وحشتناک در مورد این تاریخچه اینست که گروه زیادی از مسیحیان اتازونی، جنایات اسرائیل را علیه اعراب مسیحی و مسلمان مورد تحسین قرار می‌دهند. آخر چگونه یک مسیحی می‌تواند قتل یک برادر مسیحی خود را به وسیله یهودیان صهیونیست مورد تحسین قرار دهد. کلیسای عربی همان اندازه جزء پیکر مسیح است که کلیسای آمریکا».

۶- یکی از بزرگ‌ترین توطئه‌های جنائی یهودی علیه امکنه مقدس اسلامی نقشه انهدام مسجدالاقصی و ساختن مسجد یهودی در محل آن می‌باشد.

یهودیان شعار: «هیچ صهیون بدون اورشلیم و هیچ اورشلیم بدون معبد یهود نمی‌تواند باشد» را بوجود آوردند.

یهودیان هیچ‌گاه این هدف را پنهان نکردند و پیشوایان سیاسی و مذهبی آنان به چنین اظهاراتی بدون پرده‌پوشی ادامه دادند. آنها بی‌باکانه اعلام داشتند که انهدام مسجدالاقصی و دوباره‌سازی معبد در محل آن یکی از هدف‌هایی است که در سر می‌پروراندند.

در ۱۹۲۰ سازمان صهیونیست جهانی از دولت انگلیس و مقامات مدیره انگلیس رسماً درخواست کرد که تمام ناحیه مسجدالاقصی را به آنها واگذار کند. این درخواست البته رد شد. در سال ۱۹۲۲ لرد ملچت یک صهیونیست یهودی انگلیس اعلام کرد «روز ساختن معبد

یهود بسیار نزدیک و من بقیه عمرم را برای تجدید بنای معبد سلیمان در محل مسجدالاقصی اهداء می‌کنم» در ۱۸ اوت ۱۹۲۹ روزنامه یومیه یهودی اورشلیم بنام داورها یوم بیانیه‌ای از خاخام فلسطین، اسحاق کوک که برای جمعی یهودی گفته شده بود به چاپ رسانید که در آن اظهار داشت:

جوانان یهودی در سرتاسر جهان شور و علاقه ملی و قدرت نظامی «ماکابی» خود را اظهار داشتند. آنها برای بازخرید معبد مقدس که در حال حاضر بوسیله مسجدالاقصی اشغال شده حاضر به قربانی کردن خود هستند.

«سازمان‌های یهودی عکس‌هایی که مسجدالاقصی و دیگر اماکن مقدسه در فلسطین را زیر پرچم یهودی علائم مذهبی آن نشان می‌دهد به چاپ رسانیده و توزیع کرده‌اند».

حتی از سال ۱۹۴۸، کمیته‌های خاخام‌های یهودی و طلاب تلمودی شرح و تحقیقات جزئی درباره معبد یهودی که در دو هزار سال قبل وجود داشته و در سال ۷۰ بعد از میلاد مسیح بکلی سوخته و منهدم شده بود تهیه می‌کرده‌اند.

در سال ۱۹۴۹ کمیته‌ای از آرشتیک‌های یهودی برای تهیه طرح‌های ساختمانی و نقشه‌ها برای ساختمان معبد یهودی به جای مسجدالاقصی تاسیس شد.

در حین نمایشگاه جهانی ۱۹۶۵ در نیویورک، سازمان‌های یهودی ساختمان کوچکی را جهت نمایشگاه ساخته و مدلی از معبد یهود که می‌خواستند در بیت‌المقدس در محل مسجدالاقصی بسازند به نمایش گذاشتند.

در سال ۱۹۶۷ پس از اشغال بیت‌المقدس بوسیله یهودیان یک صندوق مخصوص به مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار بوسیله دنیای یهود برای ساختمان معبد یهودی تأسیس شده است.

از مارس ۱۹۶۸ مقامات یهودی در فلسطین اشغال‌شده گروه‌های باستان‌شناس یهودی را جهت حفاری در زیر و اطراف مسجدالاقصی، به امید کشف آثاری از معبد یهود به کار گماردند.

مجله هفتگی اورشلیم پست (دهم ژوئن ۱۹۶۸) دو صفحه از عکس‌های محل‌های حفاری‌شده را چاپ و تحت عنوان «کشف دیوار و سنگفرش خارجی معبد» گزارش از یافته‌ها را منتشر کرد. روزنامه نیویورک تایمز مورخ ۱۵ اوت ۱۹۶۸ مخابره‌ای از بیت‌المقدس را تحت عنوان «اسرائیلی‌ها حفاری‌های محل معبد قدیمی در شهر بیت‌المقدس را مصرانه تعقیب می‌کنند» را به چاپ رسانید.

مجله هفتگی تایم مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۶۷ مقاله‌ای تحت عنوان «یهودیت: آیا معبد باید دوباره ساخته شود؟» چاپ کرده این مقاله چنین می‌نویسد: «فتح بیت‌المقدس اردنی بوسیله اسرائیل که هزاران یهودی معتقد را برای اولین بار پس از قرن‌ها عبادت آزادانه در مقابل

دیوار ندبه قرار داد. یک معمای جالب مربوط به الهیات را مطرح کرده است. اگر قبول کنیم که اسرائیل دیوار را در اختیار خود نگهدارد که یکی از بازمانده‌های معدود خرابه‌های دومین معبد یهودی است. آیا وقت برپاداشتن معبد سوم رسیده است؟ این مقاله عکسی از مدل معبد دوم با اقتباس از دعای یهودی: «روزگار ما را آنچنان که بود دوباره تجدید کن» چاپ کرد. این مقاله ادامه می‌دهد: «حتی یک مانع بزرگتر اینست که معبد می‌بایستی در محل اصلی خود بنا شود و این تنها در صورتی ممکن است که گنبد مقدس صخره متعلق به اسلام که از آن محل محمد(ص) به آسمان صعود کرد، منهدم گردد.» مقاله این‌چنین ادامه می‌دهد: «معهدا خوش‌خیالی اسرائیل آنچنان است که بعضی از یهودیان زمینه مذهبی را برای بحث درباره تجدیدساختمان معبد موجه می‌بینند. آنها بحث را بر این ادعا که اسرائیل هم‌اکنون وارد عصر مسیح موعود، شده بنیان می‌گذارند. این یهودیان اشاره می‌کنند که در سال ۱۹۴۸ رئیس خاخام‌ها تصمیم خود را این‌چنین اعلام کرد که با تأسیس کشور یهودی و جمع‌آوری تبعیدشدگان، عصر (بازپس گرفتن) آغاز شده است.

امروزه بسیاری از رهبران مذهبی اسرائیل متقاعد شده‌اند که پیروزی یهودیان بر اعراب یهودیت را حتی به بنام الداد می‌گویند ما در همان مرحله‌ای هستیم که داود بود. هنگامی که اورشلیم را آزاد کرد، از آن هنگام تا ساختن معبد بوسیله سلیمان فقط یک نسل گذشت، پس در مورد ما هم چنین خواهد بود» ولی تکلیف آن محل مقدس چه می‌شود؟ آقای الداد چنین جواب می‌دهد: این البته یک سئوالی است که مطرح است. چه کسی می‌داند شاید زلزله‌ای بیاید.»

۷- از ۱۹۶۷ مقامات یهودی به حقوق مسلمانان در حرم سیدنا ابراهیم خلیل(ص) در هبرن، با محدود کردن نماز مسلمانان تنها به روز جمعه، تجاوز کرده‌اند. جهانگردان یهودی این محل مقدس را مورد بی‌حرمتی قرار دادند و اغلب در هنگام نماز برای مسلمانان مزاحمت ایجاد کرده و آنها را مورد تمسخر قرار می‌دهند. برخلاف حقوق مسلمانان، یهودیان به مسجد دست‌اندازی کرده و قسمتی از آن را برای نمازگزاران یهودی مورد استفاده قرار داده‌اند. برخلاف اعتراضات مسلمانان هبرن و شورای عالی اسلامی در بیت‌المقدس مقامات یهودی صدها نیمکت را به مسجد آورده‌اند. یهودیان بر روی قسمتی از مسجد سقفی به منظور تبدیل آن به یک کنیسه‌ی یهودی بنا کردند.

برطبق گزارش «ارشلیم پست» (مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۷۲) در شانزدهم نوامبر ۷۲ رئیس شورای عالی اسلامی در بیت‌المقدس بنام شیخ حلمی المحتسب، یک مصاحبه مطبوعاتی در خارج مسجدالاقصی برقرار کرده، او چنین اظهار کرد: «از هنگام اشغال ساحل غربی در

ژوئن ۱۹۶۷ یهودیان با اعمال زور خود را در مسجد ابراهیم هبرن جای کرده و یا مرتکب اعمال تحریک‌کننده شده و نسبت به احساسات مسلمانان که مالک قانونی این مکان مقدس هستند بی‌اعتنائی کردند» شیخ المحتسب چنین ادامه داد: «این مکان تدریجا دارد به یک کنیسا تبدیل می‌شود. این جدیدترین عمل تجاوزگرانه در فهرست تخلفات انجام‌شده از سال ۱۹۶۷ می‌باشد. «شیخ در جواب یک سؤال گفت: «در گذشته مسلمانان مخالف بازدید محل مقدس هبرن بوسیله یهودیان نبوده ولی مخالف برپاکردن عبادات یهودی در این مکان که در چهارده قرن گذشته مسجد بوده، می‌بودند. در این مورد هیچ‌گونه سازشی امکان ندارد، در ضمن هفته اول اوت ۱۹۷۵، مطبوعات یهودیان گزارش دادند که کابینه دولت اسرائیل، برای عبادات یهودی و مسلمانان در مسجد اسلامی تصمیم به شروع تزئینات جدیدی گرفته‌اند. این تزئینات جدید موجبات تقسیم فضائی نه زمانی محل مقدس را از این به بعد فراهم می‌کند. برطبق این تزئینات دو محوطه مسجد برای عبادات مسلمانان در ضمن روز رزرو شده و سه محوطه برای عبادات یهودی رزرو خواهد بود. تزئینات جدید بوسیله جنایت‌کار جنگی شمعون پیرز یهودی تلمودی خزر از اهالی لهستان تنظیم شده بود. آژانس مخابراتی یهودی (JTA) گزارش داد که «برطبق بعضی گزارشات شش تن از اعضای کابینه از دادن رای به تزئینات جدید خودداری کرده و اظهار داشتند که به عقیده آنها این تزئینات گمراه‌کننده و بی‌موقع می‌باشند. این در عمل این معنی را می‌دهد که یهودیان قسمت بزرگی از این مسجد را غصب کرده و به کنیسا تبدیل کرده‌اند. اخیرا دیده شده که یهودیان مشغول شرابخواری و انجام مراسم عروسی در این مسجد مسلمان بوده و بدین وسیله این مسجد اسلامی را مورد هتک قرار داده‌اند.

این موج جدید تجاوز یهودیان علیه اماکن مقدس اسلامی در تمام دنیای عرب و اسلام هیجان برپا کرده است. تظاهراتی در بسیاری از کشورهای مسلمان انجام گرفته و قرار است که رهبران اسلامی برای بحث درباره این تجاوز جدید یهودی با هم ملاقات کنند.

۸ - از سال ۱۹۶۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد پنج و شورای امنیت سه قطع‌نامه مربوط به شهر مقدس بیت‌المقدس را پذیرفتند. این قطع‌نامه‌ها به رژیم غیرقانونی، نژادپرست و استعماری اسرائیل اعلام کردند تا تمام ترتیبات اتخاذشده از سال ۶۷ را برای تغییر ماهیت این شهر مقدس لغو نماید.

آخرین قطع‌نامه مذکور کوتاهی اسرائیل را در احترام به قطع‌نامه‌های قبلی متخذه به وسیله سازمان ملل محکوم کرده این کوتاهی مربوط به دستورات و اقدامات متعلق به ماهیت شهر بیت‌المقدس می‌باشد. این قطع‌نامه تأکید نمود که تمام اقدامات تصویب‌شده و



اداری به وسیله اسرائیل فاقد ارزش است و نمی‌تواند تغییری در ماهیت این شهر بدهد. این تغییرات شامل تصاحب اراضی و املاک، جابجا کردن جمعیت و به تصویب رسانیدن موادی برای الحاق قسمت اشغال‌شده می‌شدند.

شورای امنیت بطور فوری به اسرائیل اعلام کرد تا «ترتیبات متخذه قبلی» را لغو کرده و هیچ‌گونه قدم دیگری در قسمت اشغال‌شده بیت‌المقدس که ممکن است به قصد تغییر ماهیت این شهر یا آنچه که حقوق ساکنان و منافع عمومی بین‌المللی را مورد آسیب قرار داده و یا مانع یک صلح عادلانه و پابرجا شود بر ندارد.

جواب رژیم غیرقانونی و استعماری یهودی چگونه بود؟

نماینده آن موقع آن رژیم، سفیر قلابی یوسف توکاشینسکی که یک یهودی روسی بزرگ‌شده در شانگهای و تبعه اتازونی بود نظر شورای امنیت را با بی‌اعتنائی طرد کرد و به شورا به محض تصویب قطع‌نامه مذکور اطلاع داد که این قطع‌نامه نادیده گرفته خواهد شد.

دبیر کل سازمان بوسیله شورای امنیت مسئول شد تا اجرای این قطع‌نامه را گزارش دهد. او در نوامبر ۱۹۷۱ پیشنهاد کرد که بهترین طریقه انجام مسئولیت اوتعیین کمیسیونی شامل سه نفر از اعضای شورا می‌باشد. همه تماس‌ها بی‌حاصل از آب درآمد و دبیرکل شورا را مطلع گردانید که اسرائیل حاضر به همکاری در اجرای دستور شورای امنیت نیست و او قادر به انجام مسئولیت داده شده تحت قطع‌نامه مذکور نمی‌باشد.

قطع‌نامه شورا نه تنها در کلام بلکه در عمل مورد بی‌اعتنائی واقع شد. جنایتکاران جنگی یهودی به برنامه غصب املاک عرب، اخراج فلسطینی‌ها و انهدام منازل و اماکن مقدس اعراب ادامه دادند. پنجاه هزار خانوار مسلمان و مسیحی از قسمت قدیمی شهر بیت‌المقدس و حومه آن اخراج و خانه‌هایشان یا بوسیله یهودیان اشغال گردیده و یا منهدم شد.

یهودیان ۹ مسجد مسلمانان را که بعضی از آنها در قرن هفتم میلادی ساخته شده بود منهدم کردند. یهودیان ۱۷۰۰۰ دو نامز (واحد زمین) را در منطقه عرب‌نشین خارج از دیوار بیت‌المقدس غصب نمودند. این مساحت تقریباً معادل ۱۷ میلیون متر مربع می‌گردد.

یهودیان برنامه‌هایی برای ساختن سیزده مجموع آپارتمانی در مناطق غصب‌شده برای اسکان ۱۲۰۰۰۰ یهودی مهاجر که تقریباً انتظار ورود آنها از شوروی و اتازونی می‌رفت ریختند. ده عدد از این ساختمان‌ها تابحال کامل شده است.

حقایق فوق‌الذکر فقط مثنی از خروار است که بوسیله پرونده جنائی رژیم نژادپرست یهودی در فلسطین اشغال شده در هتک احترام، انهدام و غصب اماکن مقدس مسلمان و مسیحی اثبات می‌شود.

فرماندار نظامی سابق ساحل غربی که خود را برای جنایت‌های جنگی، کشتار مردم و جنایت‌های ضدبشریت مورد تعقیب قرار خواهد گرفت، دیگر نباید جرأت کند که برای پاک کردن پرونده پرجنایت دولت نژادپرست متعصب یهودی که او نماینده آنست بیانات فریب‌آمیزی را در سازمان ملل متحد ابراز دارد.

با احترامات

عیسی نخله

نماینده دائمی کمیته عالی عرب برای فلسطین

این قطع‌نامه‌ها بوسیله شورای امنیت در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۷ اتخاذ شد.

## همکاری شاه با اسرائیل

از متن مصاحبه هیکل با شاه:

هیکل: روزگاری اخبار مفصلی درباره همکاری بین سازمان امنیت ایران و سازمان امنیت اسرائیل منتشر می‌شد!  
شاه: همکاری میان ما و اسرائیل منحصر به دستگاه‌های امنیتی دو کشور نبوده است و این شامل همه واحدهای ارتشی بوده است!!!

## تراکم اسلحه در خاورمیانه

در خاورمیانه و در خلیج فارس کانون خطرناکی از قدرت نظامی در حال تحول است. این تحول در تازه‌ترین گزارش سالانه «انستیتوی بین‌المللی تحقیقات استراتژیکی» در لندن با ارقام قابل ملاحظه‌ای بیان می‌شود. به موجب این گزارش، طی چهار سال گذشته، مخارج نظامی ایران ۸ برابر، مخارج نظامی عربستان سعودی ۶ برابر، و مخارج نظامی مصر ۴ برابر شده است. مخارج نظامی اسرائیل نیز که از قبل زیاد بود، در این فاصله دو برابر شده است. این کشورها و سایر کشورهای منطقه خاورمیانه، هرچه بیشتر به پیشرفته‌ترین سلاح‌های جنگی مجهز می‌شوند. اغلب این سلاح‌ها از کشورهای صنعتی پیشرفته، پیش از همه از آمریکا و به نسبت رو به تزایدی از فرانسه و سایر کشورهای اروپائی خریداری می‌شوند.

به موجب این گزارش انستیتو، در این جریان دو عامل رل اساسی بازی می‌کنند:

۱- خوب شدن وضع مالی کشورهای تولیدکننده نفت.

۲- بد شدن موازنه پرداخت‌های کشورهای غربی، که به این جهت می‌کوشند برای بهبودی

بخشیدن به وضع مالی خود هرچه بیشتر به کشورهای منطقه خلیج اسلحه بفروشند.

شوروی نیز در فروش سلاح به کشورهای مختلف ادامه داده است. به خصوص فروشش به بعضی از کشورهای افریقائی، نظیر اوگاندا، سومالی قابل ملاحظه است. این دو کشور به موجب نظر انستیتوی مذکور نسبت به ممالک همسایه‌شان از لحاظ نظامی در سطح بالاتری قرار گرفته‌اند.

ایران به عنوان قدرت نظامی جدیدی در خاورمیانه تجلی خواهد کرد. این کشور که در سال ۱۹۷۲ بطور سرانه ۳۹ دلار جهت اهداف نظامی خرج کرده است در سال ۱۹۷۵ به ازاء هر یک ایرانی مبلغ ۳۱۴ دلار به امور نظامی اختصاص داده است. به موجب گزارش انستیتوی نامبرده، در مجموع در سال ۱۹۷۵ کشور ایران مبلغ ده میلیارد دلار سلاح نظامی خریده است. در حال حاضر ایران در جریان خرید ۱۹۰۰ تانک و ۴۵۰ هواپیمای جنگی می‌باشد. علاوه بر این ایران مشغول ایجاد نیروی دریائی است که فعلا دارای ۶ ناوشکن، سه زیردریائی و تعدادی هواپیمای دورپرواز است. همه این آلات جنگی از نوع آمریکائی هستند.

در مقایسه با خاورمیانه، مخارج نظامی اروپا کم است. در حال حاضر کشورهای عضو پیمان نظامی «ناتو» (آتلانتیک شمالی) بطور متوسط ۳/۵ درصد درآمد ملی ناخالص خود را جهت مخارج نظامی خرج می‌کند در حالی که میزان این مخارج در کشورهای خاورمیانه به رقم ۱۲/۴ درصد درآمد ملی ناخالص‌شان رسیده است.

انستیتوی بین‌المللی تحقیقات استراتژیکی، بطور نگرانی‌آوری پیش‌بینی می‌کند که جایگزین شدن سلاح‌های مدرن در کشورهای صنعتی، موجب گرم شدن بازار جهانی تجارت در زمینه سلاح‌های کهنه خواهد شد.

علاوه بر این در بعضی از کشورهای دنیای سوم، صنایع جنگی توسعه می‌یابد! امروزه کشورهای هندوستان، برزیل و افریقای جنوبی، قسمت اعظم مصرف سلاح‌های نظامی خود را مستقلا تولید می‌کنند.

یوگسلاوی هواپیماهای آموزشی جهت فروش ارائه می‌دهد و اسرائیل به عنوان فروشنده هواپیماهای حمل‌ونقل وارد بازار جهانی می‌شود.

اردن تانک مستعمل به افریقای جنوبی می‌فروشد و در مقابل از ایران هواپیمای مستعمل می‌خرد.

## رمضان امسال چگونه سپری گشت

امروزه مردم ایران با استقبال از عید فطر ماه مبارک رمضان را پشت سر گذاشتند ولی بیش از هر سال در بزرگداشت و شناخت این ماه در فشار و سختی و اختناق بودند. رژیم از طرفی با آزادگاردن کافه رستوران‌ها و اغذیه‌فروش‌ها و سازوآواز مبتذل دستگاه‌های رادیو و تلویزیونش حرمت و تظاهر عینی این ماه را لطمه زد و از طرفی با زندانی کردن تدریجی یا تبعید روحانیون آگاه و مبارز و یا خانه‌نشین کردن و محروم از تماس با مردم و ممنوع‌المنبر کردن آنها، طبقات مختلف خلق را از روشن شدن و شناخت حقایق اصیل اسلام محروم نمود. مسئله مهم و عجیبی که برای مردم مسلمان ایران در این کشور به ظاهر اسلامی مطرح بود پیدا کردن یک مسجد و یا کانون مذهبی که بتوان در آن چند کلمه‌ای از حقایق اسلام شنید، بود!؟ در این ایام مردم می‌خواستند درباره علی و فداکاری‌ها و شهادت مردانه‌اش بشنوند ولی آیا رژیم کسی را آزاد باقی گذاشته است که بتواند در این باره چند کلمه‌ای به گوش مردم برساند؟

از جمله مساجد انگشت‌شماری که به علت همین نیاز امسال مورد استقبال جوانان پرشور و آگاهی‌طلب قرار گرفته بود با وجود تمام ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها مسجد جلیلی میدان فردوسی بود. شکوه نماز جماعت وسیع هر روز و بیانات روشن‌کننده آقای امامی کاشانی با تمام سادگی و رعایت ملاحظات امنیتی آن باز هم رژیم را به وحشت انداخت و نتوانست تحمل این اجتماع یکپارچه را بکند و بدون هیچ‌گونه دلیل و بهانه‌ای برای متلاشی کردن آن بعد از مراسم نیمه‌شب احیا ۲۱ رمضان آقای مهدوی امام جماعت را دستگیر و به سه سال تبعید در دهستان دورافتاده بوکان در منطقه سنندج در دادگاه صحرائی و بلکه جنگلی خود محکوم نمود و آقای امامی را از سخنرانی محروم نمود.

جوانان آگاه و مبارز با پخش اعلامیه‌های روشن‌کننده و دادن شعارهای بیدارکننده در مساجد تهران دست کثیف رژیم را رو کرده و ماهیت ضدخلقی و ضداسلامی آن را برای توده‌ها روشن کردند.

### بی تفسیر

«مگر همه ۲۱۰ میلیون امریکائی، ۶۰ میلیون انگلیسی یا ۸۰۰ میلیون چینی شب و روز در سیاست دخالت می‌کنند؟ ایتالیائی‌ها و پرتغالی‌ها این روزها به اصطلاح بی تفاوت نیستند. آنها

کار و زندگی خود را رها کرده‌اند و شب و روز با سیاست بازی می‌کنند. هر یک، هزاران حزب و دارودسته رسمی و غیررسمی دارند. آنها موضوع‌های جالبی برای مطالعه جامعه‌شناسان عالمان سیاسی روزنامه‌نگاران و پژوهندگان هستند... اما در کشورشان کاری از پیش نمی‌رود و سطح زندگی مادی و معنوی‌شان به سرعت پائین می‌آید نه تنها محصول در کشتزار خشک می‌شود و صدای کارخانه‌ها خاموش می‌گردد. بلکه یک شعر خوب هم آفریده می‌شود؟

(کیهان هوائی ۵۴/۷/۲)

این را می‌گویند شستشوی مغزی!

## اخبار

### دستگیری‌ها

• آقای شیخ غلامحسین نادری نجف‌آبادی که مدتی پیش دستگیر شده است، هنوز زیر شکنجه قرار دارد و هیچ خبری از محاکمه وی نیست.

• آقای صلواتی پسرعمومی صلواتی شاعر مشهور، پس از شکنجه‌های زیاد به ۶ سال زنان محکوم شده است.

• آقای صدر یکی از طلاب اصفهان را دستگیر نموده‌اند و هنوز زیر شکنجه می‌باشد.

• از ۱۵ مهرماه ساواک اصفهان حجت‌الاسلام آقای سیدجلال طاهری را که از وکلای آیت‌الله خمینی در اصفهان می‌باشد دستگیر می‌سازد. وی از دو سال پیش در مسجد حسین‌آباد اصفهان نماز جمعه زنده‌ای می‌خواند که تعداد زیادی از دانش‌آموزان، دانشجویان و بازاریان انقلابی را به گرد هم جمع کرده بود. ساواک پس از دستگیری وی ضمن ارائه فحش‌های رکیکی به نامبرده وی را مجبور می‌کند که نماز جمعه را تعطیل سازد. ساواک تاکنون موفق شده است که دو قلم ۷۰ هزار تومان و ۴۰ هزار تومان از جوهی را که نامبرده به عنوان وکیل آیت‌الله خمینی جمع‌آوری کرده بود، بدزدد و هر بار با یک توطئه به این کار دست زده است.

• جواد خجسته برادرزن آقای سیدعلی خامنه‌ای (آقای خامنه‌ای در اوائل شهریور امسال پس از ۷ ماه زندان و شکنجه آزاد شده و روانه مشهد شده‌اند. پیام مجاهد شماره ۳۴ رجوع کنید) در حالی که اعلامیه آیت‌اله خمینی را منتشر می‌کرده است (در جریان تشییع جنازه آقای میلانی) با پلیس برخورد کرده و دستگیر شده است.

• خانم بازرگان که خواهر منصور بازرگان و همسر مجاهد شهید حنیف‌نژاد است و چندین سال مدیر دبیرستان رفاه بود، از دو سال پیش تاکنون تحت تعقیب بوده و اکنون دستگیر و زندانی شده است.

• آقای حاج آزادی از تجار تهران و علاقمند به آقای مهدی کروی به جرم سرکشی به منزل ایشان دستگیر شده است.

• برادر مرحوم سیدی شهید (که چند ماه پیش در کوه‌نوردی شهید شده و در قم مراسم تشییع‌اش همراه با تظاهرات برگزار شد) جدیداً دستگیر شده است.

• در اواخر تابستان امسال خانم اعظم طالقانی (دختر آیت‌الله طالقانی) و منیژه بوستانی (خواهرزن دکتر واعظی و دکتر وحید) به اتهام فعالیت روشنگرانه در دبیرستان رفاه بازداشت شده‌اند.

حجه‌الاسلام حاج آقا مهدی شاه‌آبادی از ائمه جماعت آزادی‌خواه تهران در شهریور ماه امسال به دنبال بازداشت دو خواهرزاده‌اش دستگیر شده و به کمیته برده شده است. وی دانی مهندس محمود احمدی از مجاهدین اصیل است که به ده سال زندان محکوم شده است.

• در اوایل شهریور امسال چندین نفر از بازاریان تهران به اتهام همکاری با مجاهدین دستگیر شده‌اند از جمله غیوران - خوش‌بین - خنتی - خلیل‌نیا.

• برادر مجاهد اصیل و شهید ناصر صادق، بنام حسن صادق جدیداً به اتهام پیوستن به مجاهدین دستگیر شده است. سهیلا خواهرش نیز سه ماه پیش دستگیر شده بود.

• دختر شهید جاوید آیت‌اله غفاری به علت انتشار عکس پدرش در داخل و خارج، دستگیر شده است.

- آقای احمد قمی که برادرش عضو حزب ملل اسلامی بود و محکوم به حبس ابد است اخیراً بازداشت شده است.
- حجت‌الاسلام آقای امامی کاشانی از وعاظ متعهد تهران به علت سخنرانی در مجلس ختم مادر مجاهد شهید علی اصغر منتظر حقیقی، از منبر ممنوع شده است.
- آقایان جعفری و برقی از طلاب قم به جرم توزیع رساله خمینی دستگیر و هر کدام به ۳ سال زندان محکوم شده‌اند.
- حجت‌الاسلام آقای مهدی کنی در رمضان امسال در تهران دستگیر و به بوکان برای مدت سه سال تبعید می‌شود. نامبرده از روحانیون متعهد و مسئول بوده و مسجد ایشان مرکز تجمع دانشجویان بوده است.
- حجت‌الاسلام طاهری خرم‌آبادی در قم منبری رفته و مطالبی راجع به اینکه انوشیروان عادل نبوده است گفته است و در نتیجه به سه سال تبعید به برازجان محکوم شده است.
- داماد آیت‌اله منتظری آقای هادی هاشمی در ماه شوال دستگیر و روانه کمیته شده است.
- ثقه‌الاسلام سیدحسن سعیدی نیز در ماه شوال دستگیر شده است.
- در کرج نیز در ماه شوال آقای شیخ جواد نوروزی از امامان جماعت آنجا دستگیر شده و به یکی از دهات سده اصفهان برای مدت سه سال تبعید گردیده است.
- در بندرعباس آقای مجیدی مشهدی از وعاظ متعهد و مسئول آن دیار دستگیر شده است.
- اوایل آبانماه حجت‌الاسلام آقای سیداسداله مدنی از علمای بزرگ خرم‌آباد به میناب تبعید شده است.
- در اول شوال در نائین حجت‌الاسلام عباسی را دستگیر و به زندان اصفهان فرستاده‌اند.

### درگیری‌های مسلحانه:

• در شمیران در ۱۸ رمضان یک بمب اعلامیه پخش‌کن توسط یک دختر کارگذاری شده و منفجر می‌شود. بلافاصله چند نفر از اوباش به او حمله کرده سعی می‌کنند او را بگیرند. او سعی می‌کند خود را به درون ماشینی که دو نفر مرد جوان در آن نشسته بودند برساند ولی اوباش خیابانی مانع می‌شوند و سرانجام دختر به ماشین دستور حرکت می‌دهد و بلافاصله با قرص خودکشی می‌کند. پلیس ماشین مزبور را تا محله زرگنده تعقیب می‌کند ولی در آنجا ماشین مزبور ناپدید می‌شود. بدنبال این حادثه مسجدی که در محله زرگنده محل تمرین نمایشنامه‌ای توسط تعدادی جوانان مذهبی بود، مورد یورش پلیس قرار گرفته و امام جماعت مسجد و بازیکنان نمایشنامه دستگیر می‌شوند. تعداد دستگیرشدگان ۱۴ نفر است.

• در اواخر مهرماه بین سه نفر از انقلابیون مسلح و پلیس در میدان نارمک درگیری مسلحانه رخ می‌دهد. صحنه زدوخورد حتی تا میدان وثوق کشیده می‌شود. انقلابیون دو مرد و یک زن بوده‌اند. دو مرد موفق به فرار می‌شوند ولی دختر انقلابی وارد کوچه‌ای بن‌بست شده و پس از شلیک همه تیرهای خود با کشیدن ضامن نارنجک، خود و یک پلیس را کشته و دو نفر زخمی می‌شوند.

• در مردادماه انقلابیون در یک خانه تیمی در مشهد مین‌گذاری کرده و سپس به پلیس اطلاع می‌دهند که در آنجا خانه امنی می‌باشد. فوراً ۳۰ تن پلیس به آنجا ریخته و مشغول تفتیش دقیق می‌شوند که در همان زمان بمب‌های تهیه‌شده منفجر می‌شود و عده زیادی از آنها را می‌کشد.

• در خیابان راه‌آهن مشهد یک اتومبیل با سرنشین انقلابی به نظر پلیس مشکوک به نظر می‌رسد. انقلابیون پس از توقف ماشین و تفتیش آن بوسیله پلیس، یک‌باره به آن دو حمله کرده و هر دو را کشته و اسلحه آنها را مصادره کرده و با همان ماشین فرار می‌کنند. تشییع جنازه آن دو پلیس در مشهد با تشریفات مفصلی انجام می‌گیرد.

• در یکی از دهات مشهد یک انقلابی به نظر ژاندارمی مشکوک می‌رسد. ژاندارم او را تعقیب می‌کند و مصادف با گلوله انقلابی می‌شود و در جا کشته می‌شود ولی انقلابی مزبور با تلاش ژاندارم‌ری دستگیر می‌شود.



• شایع است که یک کشتی جنگی که برای سربازان ایرانی در عمان مهمات جنگی می‌برده است توسط انقلابیون ایرانی و ظفاری مین‌گذاری شده و غرق می‌گردد.

• در اصفهان اخیراً یک گروه انقلابی اسلامی دیگر، بنام «مهدویون» کشف شد. این اولین گروه در اصفهان نیست که با برخورداری از ایدئولوژی اصیل اسلامی به مبارزه دست می‌زند بلکه گروه‌های دیگری چون تشیع سرخ نیز در این شهر وجود دارند. در حادثه بوئین اصفهان دو نفر از افراد این گروه دستگیر و در حادثه کردآباد دو نفر دیگر به شهادت می‌رسند. اخیراً اعلامیه‌ای از طرف گروه مزبور مبنی بر تکذیب اکاذیب ساواک و تلفات پلیس در برخورد کردآباد منتشر شده است.

### زندان‌ها:

• درود بر خانواده رضائی‌ها!

مادر برادران مجاهد شهید رضائی‌ها که معروف به «عزیزخانم» است چند ماه است که با وجود سن زیاد و مریضی در کمیته تهران زیر شدیدترین شکنجه‌های وحشیانه قرار دارد. این پیرزن دلیر اینک به ۹ سال زندان محکوم شده است. خواهر رضائی‌ها یعنی صدیقه رضائی نیز به ۳-۵ سال محکوم می‌باشد و از محکومیت همسرش هنوز اطلاعی در دست نیست.

برادر کوچک رضائی‌ها بنام ابوالقاسم محکوم به سه سال زندان بوده و اخیراً پدرش از ملاقات با او محروم شده است. در ضمن ساواک نواری از شکنجه‌های مادر رضائی‌ها و ضجه‌های او تهیه کرده و بوسیله تلفن شوهرش حاج رضائی مرد قهرمان سال و پدر بهترین فرزندان خلق رضائی‌ها، را مجبور ساخته است که بدان نوار گوش دهد. او با اینکه از روحیه‌ای بسیار قوی برخوردار بود، در اینجا دیگر صبرش تمام می‌شود و دچار بیماری روانی شده است.

«درود بر خانواده رضائی‌ها که از پدر و پسر و مادر و دختر همه نمونه والای یک انسان مسلمان انقلابی بوده از همه چیز خود در راه خدا و خلق گذشته‌اند.» درود!

• ثقه‌الاسلام مهدی کروی در دادگاه بدوی به ۵ سال زندان محکوم شده است. پدر ایشان که در تظاهرات مدرسه فیضیه و دارالشفاء قم نقش داشت و چند ماه در اوین بازداشت بود و سپس آزاد شد، اینک بر اثر ادامه روشنگری‌های خود از الیگودرز به دماوند تبعید شده است.

• شایع است که رژیم پس از عدم موفقیت خود در جریان مدرسه فیضیه و دارالشفاء، تصمیم دارد این قضیه را که به آبروی بی‌مایه او لطمات زیادی زده است، با یک توطئه جدید به نام حضرت آیت‌اله منتظری تمام کند. به همین منظور برای گرفتن اعتراف عده زیادی را زیر شکنجه‌های سخت قرار داده است از جمله ثقه‌الاسلام شکری زنجانی، قریشی خمینی، علوی اصفهانی و چند نفر دیگر.

به مناسبت برگزاری مراسم جشن ۲۸ مرداد، زندانیان قصر را کتک مفصلی زدند و ریش روحانیون را به عنوان تادیب تراشیدند. در اوایل شهریورماه نیز به بهانه‌های پوچ، افراد زندان را به میله‌های اطاق ملاقات بسته و کتک زیادی زده‌اند.

مأمورین زندان با افراد زندانی و خانواده‌های آنها همچون حیوانات وحشی رفتار می‌کنند و با کوچک‌ترین بهانه کارت ملاقات آنها را پاره می‌کنند و یا به منظور آزادکردن پدران از آوردن کودکان برای ملاقات جلوگیری می‌کنند.

• اخیراً حضرت آیت‌اله ربانی را به زندان کمیته آورده‌اند علت آن مشخص نیست و سلامتی ایشان درخطر است. در رمضان گذشته نیز همسر ایشان را احضار کرده و کتک مفصلی به ایشان زده بودند.

### حضرت آیت‌اله منتظری:

در شماره قبل درباره فشارهای رژیم بر آیت‌اله منتظری نکاتی را متذکر شدیم. اطلاعات جدید حاکی است که ایشان در خطرات جدی قرار داشته و وضع مزاجی ناراحت‌کننده‌ای دارد. رژیم منفور پهلوی پس از شکنجه‌های طاقت‌فرسائی که در زندان کمیته به آن حضرت وارد ساخته است. اینک ایشان در بیمارستان زندان اوین بستری کرده است. آیت‌اله منتظری با وجود فشارهای دژخیمانه رژیم و شرایط مزاجی سخت، رژیم و دستگاه بازجوئی او را عاجز کرده و هیچ‌گونه صحبتی نکرده‌اند به طوری که شجاعت و صبر و استقامت ایشان در تمام محافل سیاسی و روحانی مورد تحسین قرار گرفته است.

پس از عاجز شدن، نیروهای ساواک خواسته‌اند ایشان را به دادگاه ببرند که ایشان حاضر نشده و دادگاه و اعضای آن را به رسمیت نشناخته و فرموده‌اند هرچه می‌خواهید بکنید! در این مدت ایشان حتی برای انجام فرائض مذهبی و ساختن وضو و غیره در شدیدترین شرایط قرار گرفته و چهره واقعی رژیم و عمالش در برابر ادعاهایش روشن و

آشکار گشته است.

چندی پیش پدرشان همراه با یکی از کودکان ایشان پس از فعالیت‌های زیاد موفق می‌شود که از ایشان ملاقاتی بعمل آورد، ایشان علی‌رغم آنهمه ددمنشی رژیم و شکنجه‌های وحشیانه و شرایط بد مزاجی، قیافه‌ای پیروز و بشاش داشته‌اند. مزدوران رژیم از پدر ایشان خواسته‌اند و وی را تهدید کرده‌اند که تقاضائی به صورت عفونامه بنویسد و امضا کند تا ایشان را آزاد سازند. پدر پیر و سالخورده از این کار امتناع کرده و در جواب می‌گوید «دستگاه باید از ایشان پوزش بطلبد!!» و به بهانه اینکه سواد ندارد از انجام این کار فرار می‌کند. پس از بازگشت از ملاقات نامبرده از روی احساس پدری به منزل آقای خوانساری رفته جریان ملاقات را شرح داده و از ایشان می‌خواهد که شاید کاری انجام دهد و ایشان را آزاد سازد. خوانساری می‌گوید اشکال ندارد. شما عفونامه‌ای بنویسید تا ایشان آزاد شود. پیرمرد عصبانی شده و می‌گوید از شما بعید است! و از منزل خارج شده و به نجف‌آباد برمی‌گردد. مدتی بعد چند نفر از مأمورین عالی‌رتبه سازمان کاغذی از زبان پدر آیت‌اله نوشته و به نجف‌آباد رفته و نامه را به او می‌دهند تا امضا کند یا پای آن انگشت بزند، پیرمرد مخالفت کرده و سرانجام کتک مفصلی از دست آن جانان می‌خورد. با مقاومت پیرمرد مأمورین کاری از پیش نبرده دست خالی برمی‌گردند.

### آمریکاییان در ایران:

اخیراً (در حدود ۱۰ مهرماه) تعداد ۵۰۰۰ نفر آمریکائی وارد ایران شده و به پادگاه خرم‌آباد روانه شده‌اند. اینها افرادی هستند که به درخواست ایران برای عملیات ضدچریکی وارد ایران شده‌اند و قرار است تعداد ۱۹ هزار نفر دیگر هم در آینده اعزام شوند. ضمناً تعداد زیادی از زخمی‌های ویتنام (در حدود ۱۰۰ هزار نفر) نیز برای تفریح به ایران آمده‌اند. اینها در شهرهای مختلف ایران مشغول گردش‌اند و اغلب در چهارچرخه نشسته و زن‌های ایشان آنها را می‌گردانند.

### در دنباله تظاهرات خونین ۱۷ خرداد:

پس از تظاهرات ۱۵ و ۱۷ خرداد ماه امسال علی‌رغم تلاش‌های مذبحانه رژیم و مزدورانش، روزبروز بر عظمت و شکوه این قیام افزوده می‌شود و خلق مسلمان و ستم‌دیده ما را به اصالت انقلاب اسلامی رهنمود می‌گردد. بدنبال حوادث ۱۷ خرداد عده زیادی دستگیر شدند که ما خبر آن را و اسامی برخی از ایشان را در شماره‌های قبل آوردیم. این دستگیری‌ها هنوز ادامه دارد و عده زیادی از طلاب متواری شده‌اند. رژیم به

منازل این عده حمله برده ولی چیزی بدست نیاورده است.

کسانی که در همان روز دستگیر شده بودند به طرز وحشتناکی شکنجه شده‌اند. ولی استقامت آنها در زیر شکنجه چنان زیاد بوده است که شکنجه‌گران را به خشم و حیرت واداشته است. تا جائی که بچه ۱۲ و یا ۱۳ ساله‌ای را شکنجه بسیار کرده و از او خواسته بودند که به ساحت امام خمینی اهانت کند. او از این کار امتناع کرده و پس از شکنجه فراوان به ظاهر قبول می‌نماید. ولی وقتی همه را جمع کرده‌اند که در جلو آنها اهانت کند، او فریاد زده خمینی فرزند پیامبر است او فرزند علی، حسین، موسی بن جعفر است. من چگونه جسارت کنم!! در این لحظه تمام زندانی‌ها شروع به گریه کرده‌اند به طوری که خود شکنجه‌گر نیز سخت تحت تأثیر ظاهری قرار گرفته و داد زده است که آخر من با یک چنین بچه‌ای چه کنم!!!!

جوان دیگری که تکنسین بوده و ترکمن، که در خارج از مدرسه دستگیر شده، تحت شکنجه قرار گرفته است. او را طوری شکنجه داده‌اند که حتی برای دوستانش قابل شناخت نبوده و تمام بدن او تکه و گداخته بوده و باز فریاد می‌زده که نمی‌توانم در یک مشت درنده و دژخیم وحشی صحبت کنم. من در بازجویی با جانیمان و آدمکشان صحبت نمی‌کنم.

بسیاری از شکنجه‌شدگان قول داده‌اند که به منظور تضعیف روحیه سایرین جلوی دیگران چیزی بگویند ولی وقتی آنها را می‌آورده‌اند داد می‌زده‌اند که به خدا ما تاکنون اینهمه جنایت را نمی‌دانستیم و الا زودتر شروع می‌کردیم!!!

پس از اینچنین شکنجه‌های قرون وسطائی، افرادی را که به نظر آنها در جریانات تظاهرات نقشی داشته‌اند به زندان‌های طویل‌المدت و شکنجه‌گاه فرستاده‌اند و افراد دیگر را به سربازی ارسال داشته‌اند و یا احياناً آزاد ساخته‌اند ولی به آنها گفته‌اند که از اوضاع زندان اوین و شکنجه‌گاه کمیته صحبتی نکنید و بلکه بگوئید جای خوبی است، رفتارها انسانی است، غذای خوب و مفصل می‌دهند و آسایش کامل برقرار است. و مخصوصاً به آقایان طلاب و علماء اعلام کوچک‌ترین اهانتی نشده است. تنها بعضی از بچه‌های نامسلمان که در لابلای آنها بوده‌اند به عنوان تأدیب تنبیه شده‌اند.

محکومیت‌ها بسیار طولانی و غیرقابل تصور است و هیچ‌گاه سابقه ندارد که محکومیت شرکت در تظاهرات چنین طولانی باشد، به طوری که حداقل ۴ سال و حتی به ۱۵ سال نیز می‌رسد. اسامی برخی از محکومین و مدت محکومیت آنها بقرار زیر است:

ابراهیم باقری نجف‌آبادی ۴ سال، آشیش عباس مانع‌پورهمایون شهری ۴ سال، شیخ قدرت‌الله علیخانی ۵ سال، شکری ۶ سال، محمد حسین نیا ۶ سال، فاضل‌زاده ۶ سال، قریشی (برادر آقا کاظم قریشی شهید) ۱۰ سال، علوی اصفهانی ۸ سال، محدث ۱۵ سال.

محکومین به زندان در حدود ۱۰۰ نفر می‌باشند که از مدت محکومیت همه آنها اطلاعی در دست نیست. کسانی که به سربازی اعزام شده‌اند فرار کرده و تحت تعقیب هستند. و نیز کسانی که توانسته بودند در تظاهرات فیضیه به نحوی از چنگال پلیس فرار کنند، شدیداً تحت تعقیب و پیگردی پلیس قرار دارند و حتی برای دستگیری آنها جایزه تعیین شده است. مدارس فیضیه و دارالشفاء همچنان بسته است و برخی از طلاب که بدون مسکن شده‌اند بعنوان اعتراض شب‌ها در کنار خیابان می‌خوابند. پیروز و پرفروز باد نهضت روحانیون اسلام دانشجویان انقلابی حوزه علمیه قم

## اسرائیل و کاهش بی‌سابقه مهاجرین

آخرین آمارگیری اسرائیلی‌ها نشان می‌دهد که تعداد مهاجرین به اسرائیل کاهش یافته و در واقعیت «کاهش و ندرت» مهاجرت گسترش یافته است. شالو موروزن، وزیر آبادانی و مسکن اعلان کرد که: تعداد ماهانه ورود مهاجرین از آغاز سال جاری مابین ۲۰۰ تا ۱۵۰۰ مهاجر بوده است که در مقایسه با ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ مهاجر دو سال پیش نقصان آن را نشان می‌دهد. این کاهش در آمار مهاجرین بی‌نظیر می‌باشد. ابراهام تیروش، در «معاریف» به کاهش ۱۲۰۰ مهاجر در ماه مارس، به علاوه ۱۶۰۰ مهاجر در ماه فوریه اشاره می‌کند. معاریف می‌افزاید که این کاهش ۵۰ درصد از میزان ماه فوریه سال گذشته را تشکیل می‌دهد. وی می‌افزاید که این کاهش نیز در طی ماه مارس افزایش یافته است به طوری که به نسبت ۳۱ درصد بالغ شده است. ۴۵۰ نفر از این کاهش‌یافتگان از مهاجرینی هستند که از اتحاد شوروی مهاجرت کردند ولی از طریق وین به کشورهای دیگری به جز اسرائیل عزیمت نموده‌اند.

این نوع کاهش در تعداد مهاجرین نسبت ۴۲ درصد را تشکیل می‌دهد و این بالاترین نسبت کمبود را در کلیه ماه‌هایی که به ثبت رسیده است نشان می‌دهد. بسیاری از مهاجرین یهودی از روسیه شوروی، حاضر نشدند به اسرائیل بروند و ترجیح دادند در سایر کشورهای اروپائی اقامت کنند. برخی هم که به اسرائیل رفته بودند، با ناراحتی و پشیمانی به اروپا برگشتند. گروهی از مهاجرین یهودی روسی ترجیح دادند که به روسیه برگردند.

معاریف خاطر نشان می‌سازد که نزدیک به نیمی از اماکن در مراکز آبادانی و مسکن در نتیجه فروکش تعداد خالی مانده است. کاهشی که در ماه گذشته نیز با حجم رو به افزایشی

ادامه داشته است. این مجله می‌افزاید که ۶۷۰۰ منزل در مراکز آبادانی و مسکن وجود دارد. که در آغاز این ماه بیش از ۳۰۰۰ منزل آنها غیرمسکونی باقی مانده است. یکی از روزنامه‌های اسرائیلی نیز مشکلاتی را که هیأت‌های صهیونیستی در ایالات متحده به خاطر تشویق و جلب مهاجرت یهودیان به اسرائیل با آن مواجه می‌شوند مطرح کرده و می‌گوید که هیأت‌های مهاجر همچون شکارچیان می‌مانند که حیوانات نادری را به منطقه‌ای دیگر می‌رانند و در تعقیب یهودیان و تشویق آنان برای مهاجرت به اسرائیل هستند. همین روزنامه یادآور می‌شود که آخرین ارقام سالانه و ماهانه، از مهاجرین از ایالات متحده و کانادا به اسرائیل فاجعه‌انگیز و دردآور است. چه در سال ۱۹۷۴ از ایالات متحده و کانادا ۲۸۹۱ نفر در مقابل ۵۳۳۶ نفر در سال ۱۹۷۳ به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند. و امیدهای خیلی کم و ضعیفی برای سال ۱۹۷۵ پیش‌بینی می‌شود. یهودیان در رابطه با امتناع خود از مهاجرت عواملی را چون «مشکلات اقتصادی اسرائیل، و سخن از جنگی دیگر»، و فقدان «یک رهبری نیرومند» را در اسرائیل برمی‌شمرند. توضیح آنکه تورم اقتصادی در اسرائیل بالاترین رقم را در بین کشورهای اروپائی و آمریکا دارد. جنگ فرسایشی فلسطینی‌ها اسرائیل را در حال آماده‌باش دائم قرار داده است که منجر به فشارهای اقتصادی زیادی بر او شده است. تورم اقتصادی، کساد بازار، توسعه جنگ الفتح به داخل مرزهای اسرائیل و برهم‌زدن جزیره امنیت و دموکراسی از عواملی است که در تغییر نظر یهودیان در مهاجرت به اسرائیل بسیار مؤثر می‌باشد.

### نماز جماعت در دانشگاه

از جمله برنامه‌های ضدخلفی و ضداسلامی رژیم در ماه رمضان گذشته سال جاری تعطیل کردن مسجد دانشگاه تهران بود. رژیم خائن قبلا تجربه کرده بود که اجتماع و ارتباط و تشکل مسلمانان در مساجد در این ماه به علت برنامه‌های خاص مذهبی بیشتر می‌گردد. بنابراین بلافاصله پس از مشاهده جمعیت عظیم نمازگزاران در روز اول ماه رمضان، مسجد دانشگاه تهران را تعطیل کرد. دانشجویان آگاه و معتقد پس از یک هفته بلا تکلیفی تصمیم می‌گیرند نماز جماعت را در محوطه خارج مسجد و روی زمین برپا کنند. و از آن روز صفوف متحد و یکپارچه خود را با شرکت صدها نمازگزار تاکنون ادامه می‌دهند. حتی دانشجویانی که قبلا جدیت و مراقبتی بر نماز نداشتند از آن روز علی‌رغم رژیم به صفوف جماعت می‌پیوندند.

بررسی این مسئله از دو جهت حائز اهمیت است، اول ماهیت ضد مذهبی رژیم و کینه دیرینه‌اش نسبت به دانشجویان آگاه و معتقد با وجود تمام تظاهرات فریکارانه‌اش و تمام روضه‌خوانی‌های دربار و سینه‌زدن‌ها و نمایشات مبتذل و تهوع‌آور مذهبی تلویزیون و دستگاه‌های تبلیغاتی‌اش. دوم رشد مذهبی و آگاهی اسلامی نسل امروز و مقایسه آن با سال‌های گذشته. و توسعه کمی و کیفی آن به موازات تشدید استبداد و اختناق روزافزون رژیم.

برای مشاهده این تغییر کمی و کیفی کافی است سری به دانشگاه ملی زده شود دانشگاهی که نسبت به سایر مراکز آموزش عالی از این نظر در سطح پائین‌تری قرار دارد. دانشگاهی که دو سه سال قبل مرکز مد و خودنمایی دختران و دانسینگ و شب‌نشینی بود. اما امروز تعداد دخترانی که با حجاب اسلامی در کلاس‌ها حاضر می‌شوند چشم‌گیر است. و تعداد شرکت‌کنندگان در نماز جماعت مسجد آن دانشگاه روز بروز در حال افزایش است و نشان می‌دهد رژیم با تمام برنامه‌ها و مطبوعات ننگین و رنگینش نتوانسته زن ایرانی را کاملاً اسیر تمایلات جنسی مرد کند. و نسل امروز می‌کوشد خود را از بندهای اهریمنی رژیم فاسد آزاد کند. نسل امروز ما بیش از هر زمان، خود را با سلاح ایدئولوژی انقلابی اسلامی مجهز ساخته و می‌سازد.

گسترده باد حرکت حماسه‌آفرین مسلمانان مجاهد  
درد بر دانشجویان دلیر و آگاه مسلمان دانشگاه تهران

### اطلاعیه حرکه المحرومین لبنان

لبنان هم‌طراز فلسطین سرزمین نزول وحی الهی و محل زندگی و فعالیت پیامبران متعددی بوده است. و با ورود ابانر غفاری به جنوب لبنان مکتب شیعه و طرفداری از حضرت علی در آن دیار نضج گرفت. اما شیعیان در این دوران دراز همیشه زیر فشار و ظلم دست‌وپا زده‌اند - چه جنایات فراوانی که ندیده‌اند! و چه بی‌عدالتی‌ها و محرومیت‌ها که تحمل نکرده‌اند! پس از کشت و کشتارهای بنی‌امیه و بنی‌عباس و ترکان عثمانی در دوران اخیر نیز از استعمار فرانسوی و نظام مسیحی باقیمانده استعمار زجر و شکنجه‌های فراوان دیده‌اند.

شیعیان همیشه رافضی و کافر نامیده می‌شدند و از ابتدائی‌ترین وسایل حیات محروم

مانده بودند - به کارهای پست اشتغال داشتند، انسان به حساب نمی‌آمدند، ارزش و شخصیتی نداشتند، برای کسب آزادی و کسب حقوق انسانی و عدالت اجتماعی شیعیان لبنان به حرکت درآمدند و بعد از دو سال تحرک پرچمدار مبارزات ضداستثمار و ضداستعمار لبنان و دفاع از موجودیت مقاومت فلسطین شدند. و همه مبارزان ضداستعماری و عدالت‌طلب را به دور خود جمع کرده و حرکه‌المحرومین را بوجود آوردند. حرکه‌المحرومین برای تحقق عدالت اجتماعی و دفاع از لبنان در مقابل استعمار و صهیونیسم مبارزه می‌کنند و در این راه نیز قدم‌های مؤثری برداشته است.

از آنجا که اسرائیل همسایه جنوبی چشم طمع به خاک لبنان دوخته و همه‌روزه از زمین و آسمان حمله می‌کند و مردم را می‌کشد و یا به زنجیر می‌کشد و یا وادار به هجرت و فرار مینماید... و از آنجا که عوامل استعمار در داخل لبنان مسلحند و با قدرت آتش مخالفین خود را منکوب می‌کنند:

لذا مبارزه پارلمانی و صلح‌آمیز کافی برای حل مشکلات لبنان نیست - و به همین جهت حرکه‌المحرومین برای انجام رسالت تاریخی خود دست به ایجاد «منظمه امل» زد که یک سازمان نظامی است و جوانان پرشور شیعه با آخرین سیستم‌های نظامی تعلیم می‌بینند و برای مبارزات نظامی یا چریکی آماده می‌شوند. پایگاه‌های تعلیماتی امل از هم‌اکنون به وظیفه خود در قبال سایر جنبش‌های منطقه نیز توجه نموده است و عمل می‌نماید.

اخیرا در یک واقعه ۲۷ نفر از بهترین جوانان مجاهد «امل» شهید شدند و بیش از ۴۶ نفر نیز به سختی مجروح گردیدند، در جنگ‌های جاری بین کتائب (حزب ارتجاعی غربی) و مسلمین بعضی از جوانان امل مجروح و شهید گشتند. این جنگ‌های داخلی لبنان توطئه‌ای برای نابودکردن مقاومت فلسطین و تضعیف نیروهای ملی و پیشرو داخلی است و بیش از ۴۰۰۰ تلفات داده که اکثریت قریب به مطلق آن شیعه هستند و بیش از ۱۸۰۰۰ نفر نیز مجروح شده‌اند. جنگ اکثرا به محلات شیعیان محدود شده است و شیعیان بیش از هر کس دیگر دفاع از مقاومت فلسطین را به عهده دارند و بیشتر از هر گروه دیگری شهید داده و می‌دهند.

متأسفانه شیعیان، محروم‌ترین طوائف لبنانند و از نظر مادی آنقدر تحت فشارند که حدی برای آن متصور نیست. خانواده‌های شهدا بی‌سرپرستند و درمان مجروحین و سرپرستی خانواده‌های آنها احتیاج به کمک‌های مادی فراوانی دارد. در محلات بمباران‌شده شیعیان هزارها خانواده بیکار و فقیر حتی از نان خشک محرومند و حتی برای جنگندگان شیعه که در مقابل کتائب سپر بلا شده‌اند و محلات خود را پاسداری می‌کنند نان هم به سختی مهیا می‌گردد - در حالی که کتائب از عالی‌تری اسلحه‌ها برخوردار است و از بزرگ‌ترین مراکز



استعماری غرب تقویت می‌شود.

حرکه‌المحرومین برای تحقق رسالت تاریخی خود احتیاج به کمک‌های مادی و معنوی همه رزمندگان راه حق و حقیقت دارد. و از همه آزاد مردان جهان می‌طلبد که برای دفاع از لبنان و مبارزه با صهیونیسم و استعمار کمک‌های خود را از ما دریغ ندارند.

حرکه‌المحرومین لبنان